

کارگر تبعیدی

نشریه

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

شماره ۳۵ * سال نهم * شهریورماه ۱۳۷۵

پشتیبانی کنفرانس بین المللی کارگری

از کارگران ایران

در صفحه ۳

تصویب قطعنامه انجمن توسط

شورای اتحادیه های شرق لندن

نمایندگان واحد انگلیس انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی در تاریخ بیستم ماه مه امسال در نشست ماهیانه شورای اتحادیه های کارگری شرق لندن شرکت کردند. این شورا از نمایندگان ۱۴ اتحادیه کارگری تشکیل می شود.

در این جلسه رفقای انجمن وضعیت فعلی کارگران ایران را بازگو کردند و به سوالات حاضرین پاسخ دادند، سپس رفقای ما قطعنامه پیشنهادی واحد انگلستان را برای تصویب در جلسه، ارائه دادند. اعضای شورای اتحادیه های کارگری شرق لندن قطعنامه پیشنهادی را به تصویب رساندند.

در صفحه ۲ متن قطعنامه مذکور که در مورد محکومیت جمهوری اسلامی و ارسال نمایندگانی از طرف اتحادیه های بین المللی آزاد و سازمان بین المللی کار به ایران جهت بررسی شرایط کارگران این کشور می باشد، از نظرتان می گذرد.

نامه دبیر امور بین المللی TUC در باره ایران

با تلاش های واحد انگلستان انجمن آقای استندینگ دبیر کل کمپین همبستگی بین المللی کارگران نامه ای به دبیرکل شورای اتحادیه های کارگری انگلستان (TUC) نوشت و خواستار اصلاح و تکمیل قطعنامه کنگره سال ۱۹۹۴ TUC در باره ایران شد. متن نامه استندینگ در همین شماره نشریه چاپ شده است. در پاسخ به آن نامه، دبیرکل امور بین المللی TUC نامه ای نوشته که در آن نکات مهمی در باره وحشت جمهوری اسلامی از اعزام هیئتی به ایران برای بررسی مسائل کارگری وجود دارد. متن این نامه در صفحه ۳ درج شده است.

در صفحات دیگر

- * اعتصابات کارگری در روسیه، ترکیه، اوکراین و...
- * سخنان نمایندگان کارگران در «کنفرانس همبستگی بین المللی»
- * دیدار و مصاحبه با کارگران انگلستان
- * تجمع اعتراضی ۳۰۰ کارگر در تهران و اخباری از کارخانه های البسکو و البسه باف
- * گوشه هایی از فعالیت های انجمن
- * چند نکته پیرامون مقالات مندرج در نشریه شماره ۳۴
- * نامه های رسیده
- * معرفی کتاب

راهپیمایی و تجمع اعتراضی

کارگران پالایشگاه نفت تهران

در تاریخ ۲۹ مرداد ماه کارگران پالایشگاه نفت تهران به خیابان آمده و در اعتراض به عدم اجرای پیمان دسته جمعی، بنیت نامشخص طبقه بندی مشاغل و حذف حقوق و دستاوردهای خود، در مقابل خانه کارگر واقع در خیابان ابوریحان گرد آمدند. آنها ضمن اعتراض به اجحافات وزارت نفت نسبت به کارگران، خواهان ملاقات با وزیر کار شدند. پس از ناامید شدن از آمدن وزیر کار، صدای اعتراض خود را بلندتر کرده، به راهپیمایی پرداختند. صفوف منظم حدود ۴۰۰ کارگرنفت از خیابان ابوریحان به حرکت درآمد. کارگران پس از گذشتن از خیابان های انقلاب و حافظ به سوی خیابان تخت جمشید محل اداره مرکزی وزارت نفت رهسپار شدند و در طبقه هم کف آن اداره مستقر گشته، یک صدا خواستار ملاقات با وزیر نفت شدند.

بقیه در صفحه ۲

تجمع اعتراضی

۳۰۰ کارگر در تهران

روز ۱۹ شهریور حدود ۳۰۰ نفر از کارگران بخشهای مختلف که عضو تعاونی های مسکن هستند، به عنوان اعتراض در جلوی تعاونی اسکان تجمع کرده و خواستار رسیدگی به وضع خود شدند. این کارگران حدود سه سال است که پیش پرداختی جهت دریافت زمین به تعاونی اسکان سپرده اند که تاکنون اقدامی در این مورد نشده است. مسئولین تعاونی اسکان خواستار شدند که به آنها فرصت داده شود تا به تک تک آنان برسیله نامه ای پاسخ داده شود.

زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!

راهپیمایی و تجمع اعتراضی کارگران پالایشگاه نفت تهران

بقیه از صفحه ۱

آقازاده، وزیر نفت که در مقابل حرکت یک پارچه کارگران قرار گرفته بود به ناچار پیامی برای کارگران معترض فرستاد و از آنان خواست تا نمایندگانی جهت بازگو نمودن مطالبات خود به طبقه پانزدهم اداره مرکزی بفرستند. کارگران در پاسخ به این پیام اعلام نمودند که «ما نماینده ای نداریم» و خواهان آمدن وزیر نفت به جمع خود شدند.

وزیر نفت مجبور شد در مقابل کارگران حاضر شود. کارگران خواهان اجرای پیمان دسته جمعی شدند و بر روی به عمل درآوردن طرح طبقه بندی مشاغل، تعیین میزان دستمزدها، پرداخت جیره خواروبار (رشن)، پرداخت مزایای کار در محیط های سخت و زیان آور، وام مسکن، مشخص شدن وضعیت کارگران استخدامی بعد از انقلاب و... تاکید نمودند. آقازاده پس از شنیدن خواسته های کارگران به آنان وعده داد که مطالبات آنها مورد بررسی قرار گرفته و حداکثر تا مدت دو ماه آینده، نتیجه را به اطلاع کارگران خواهد رساند.

لازم به توضیح است که قبل از انقلاب ۵۷ هر دو سال یک بار نمایندگان کارگران نفت از نقاط مختلف کشور به تهران می آمدند و ضمن برگزاری جلساتی طی چند هفته، با نمایندگان شرکت نفت و نماینده ای از وزارت کار وارد مذاکره می شدند. در پایان این مذاکره قرارداد دو ساله ای مابین طرفین به امضاء می رسید. این قرارداد به عنوان پیمان دسته جمعی کارگران با کارفرمایان نفت محسوب می شد و تا زمانیکه پیمان جدیدی منعقد نمی شد، معتبر بود.

در پیمان های دسته جمعی ای که از سال ۱۳۴۳ برقرار شد، مسائلی چون طرح طبقه بندی مشاغل، حداقل دستمزد، مدت زمان مرخصی سالیانه، تعطیلات هفتگی، میزان پاداش و عیدی سالیانه، جیره خوار و بار، فوق العاده های بخش های مختلف نفت، وام مسکن، کمک هزینه مسکن، تعاونی های مصرف و اعتبار، صندوق های پس انداز کارگران و شرایط آن و... گنجانده می شد.

بعد از انقلاب تاکنون هیچگونه پیمان دسته جمعی ای مابین کارگران و وزارت نفت منعقد نشده است. بدین ترتیب نفتگران نیز هم چون کارگران سایر صنایع از انتخاب نماینده خود محروم شده اند. و دولت به بهانه جنگ بخش وسیعی از مزایای قید شده در پیمان های دسته جمعی گذشته را حذف نموده است. بعلاوه بعد از سال ۶۰، وزارت نفت بسیاری از کارگران با سابقه را بازنشسته و بازرخرد نمود، و با پایان جنگ به منظور بازسازی پالایشگاه آبادان، اقدام به استخدام جدید در پالایشگاه تهران کرد. طی این مدت حدود ۳۰۰ کارگر جدید استخدام شده اند که وضعیت طبقه بندی مشاغل همگی آنان نامشخص است. کارگران با سابقه نیز طی این چند سال از ارتقاء رتبه شغلی خود محروم بوده اند. نکته مهم دیگر اینکه پس از سال ۶۱ کارگران نفت تهران را از دسترسی به دکتر متخصص خصوصی محروم کرده اند. قبلاً کارگران در صورت بیماری خود و یا خانواده، امکان داشتند به دکتر متخصص مراجعه نمایند و با ارائه نسخه دکتر، مخارج درمان را از شرکت نفت دریافت نمایند. اکنون این دستاورد کارگران نیز حذف شده و با توجه به وضعیت اسفبار درمان گاه های دولتی، کارگران با مشکلات زیادی رو به رو هستند.

تصویب قطعنامه انجمن توسط شورای اتحادیه های شرق لندن

بقیه از صفحه ۱

برای ارائه به شورای اتحادیه های کارگری انگلستان (TUC)

نمونه قطعنامه در باره ایران

اتحادیه . . . از قطعنامه شماره ۸۹ TUC مصوبه سال ۱۹۹۴ شدیداً حمایت کرده و توجه شما را به آن جلب می نماید:

کنگره با ابراز نگرانی شدید موارد زیر را در مورد رژیم ایران مورد توجه قرار می دهد.

۱- سرکوب گسترده و وحشیانه اعتراضات و تظاهرات کارگران بسیاری از واحدهای تولیدی بزرگ از جمله شرکت جهان چیت، تراکتورسازی تبریز، شرکت تولید پارچه بهشهر، کارگران راه و ترابری شیراز، کارگران شهرداری تهران، که همگی در اعتراضات شهرهای مختلف ایران علیه نقض حقوق بشر توسط حکام مذهبی - دیکتاتوری در ایران شرکت داشته اند؛

۲- آزار و سرکوب کارگران و تحمیل شرایط برده وار و محروم ساختن آنان از حقوق اولیه شان از جمله حق شرکت در مجامع طبق کنوانسیون ۸۷ و تشکیل اتحادیه های کارگری؛

۳- به گفته کمالی وزیر کار: «دستمزد کارگران ایران یک سوم حداقل سطح امرار معاش می باشد»؛

۴- اخراج تعداد زیادی از کارگران، به ویژه زنان، بدون پرداخت هرگونه غرامت و تضمینی برای آینده آنان.

با توجه به نکات فوق، کنگره:

الف- نقض سیستماتیک و گسترده حقوق بشر توسط رژیم آخوندی در ایران که شامل دستگیری، شکنجه و اعدام کارگران و زنان می شود را شدیداً محکوم کرده، و در حالی که تمیض علیه کارگران را محکوم می کند، از رژیم ایران می خواهد در جهت بهبود شرایط زندگی و افزایش دستمزدهای آنان اقدامات فوری به عمل آورد.

ب- حمایت خود را از مبارزات مردم ایران برای دموکراسی اعلام می دارد.

ج- از شورای عمومی می خواهد تا از ICFTU (کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد) و ILO (سازمان بین المللی کار) درخواست کند که هیئتی را برای تحقیق و بازرسی، و تهیه گزارش جامعی از شرایط کارگران، به ایران اعزام دارند.

ما با در نظر داشتن درگیری های اخیر تهران و مشهد و سرکوب مردم توسط رژیم جمهوری اسلامی، از شورای TUC می خواهیم بخصوص در مورد بند ج قطعنامه شماره ۸۹ خود هر چه سریع تر اقدامی به عمل آورد. ما پیشنهاد می کنیم هیئتی جهت بررسی مسائل کارگری ایران اعزام شود و در این هیئت تعدادی از کارگران ایرانی که در تبعید به سر می برند و تجربه کار اتحادیه ای طولانی دارند، حضور داشته باشند.

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی آمادگی خود برای فرستادن تعدادی از کارگران با تجربه که سابقه بیش از ۲۵ سال کار سازمانگری در ایران دارند را به همراه هیئت اعزامی اعلام کرده است.

اعزام کارگران تبعیدی به همراه هیئت تحقیق به ایران

فیل ادواردز- دبیر شورای اتحادیه های کارگران شرق لندن- نامه ای به اتحادیه های انگلستان نوشت که در بخشی از آن آمده است: «ما مصران تاکید می کنیم که برای به اجرا در آوردن مواد قطعنامه (بالا) ک

تشکیلاتی در ایران هستند، شامل شود. یکی از پیشنهادات ما، انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی است که آمادگی خود را برای فرستادن تعدادی از کارگران با تجربه بیش از ۲۵ سال کار اتحادیه‌ای در ایران، به همراه هیئت اعزامی اعلام کرده است. بسیار خوشحال خواهیم شد که جواب شما را در این مورد دریافت کنیم. با ابراز همبستگی - دبیر کل کیت استندرینگ

نامه دبیر امور بین‌المللی TUC در باره ایران

۲۲ ژوئیه ۱۹۹۶

بقیه از صفحه ۱

در مورد ایران

آقای استندرینگ عزیز!

با تشکر از نامه مورخ ۱۹۹۶/۷/۱۲ شما مبنی بر فرستادن هیئتی از طرف اتحادیه‌های آزاد بین‌المللی (ICFTU) و سازمان بین‌المللی کار (ILO) جهت تحقیق در باره شرایط کار کارگران ایران. ممکن است اطلاع داشته باشید که کنفرانس جهانی کار در ماه ژوئن امسال در گزارش خود، ایران را به عنوان کشوری قلمداد کرد که در مورد استخدام افراد تبعیض روا می‌دارد. در این کنفرانس بر تبعیض نسبت به بهائیان و دیگر اقلیت‌های مذهبی و بخصوص در مورد زنان طبق مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ تاکید شده است.

اگر حکومت ایران می‌پذیرفت که هیئتی از طرف ILO از ایران بازدید به عمل آورد، چنین قطعنامه‌ای تصویب نمی‌شد. به دلیل عدم وجود اتحادیه‌های کارگری مستقل در ایران لازم است هیئتی برای تحقیق در باره زیرپا گذاشتن حقوق اتحادیه‌ای کارگران ایران، حقوق زنان و حقوق بشر فرستاده شود. در طی ملاقاتی که نمایندگان TUC در کمیته بررسی با نماینده رژیم جمهوری اسلامی در ژنو داشتند، علی‌رغم اینکه نماینده مذکور به عنوان دیپلمات معتدل و مجرب شناخته شده بود، چنین به نظر می‌رسید که وی از تهران دستور مستقیم داشت که به هیچوجه با فرستادن هیئتی به ایران موافقت نکند. در جریان ملاقات نمایندگان TUC با نماینده رژیم جمهوری اسلامی چند نفر مأمور اطلاعاتی رژیم در اطاق حضور داشتند. در نتیجه عدم پذیرش هیئت بررسی از طرف ایران، چنین متنی در قطعنامه ILO گنجانده شد.

عدم پذیرش هیئت بررسی مسائل کارگری از طرف ایران عجیب به نظر می‌آید، چرا که سایر حکومت‌ها با نفس چنین هیئتی مخالفت نمی‌کردند اما بعداً در رفتن هیئت به کشورشان کارشکنی می‌نمودند. به نظر من در مورد ایران شانس فرستادن هیئت بررسی مسائل کارگری بسیار کم است. اما ما مسلماً همچنان به فشارهای خود ادامه خواهیم داد تا هیئتی را از طرف ILO و از میان ICFTU به ایران بفرستیم.

ارادتمند مایکل والش

دبیر امور بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری انگلستان

شکر موقعیت و ادامه فشار به فعالین اتحادیه‌ای در ایران است، امان فوری انجام دهید. پس از دریافت پاسخ شما، ما با کمال مصرت توانیم با اطمینان بگوییم که قدم‌هایی برخوایم داشت تا هیئتی زمانه‌ی کنیم که همراه کارگران تبعیدی برای بررسی مسائل کارگری به آن اعزام شوند.

شتیبانی کنفرانس بین‌المللی کارگری

از کارگران ایران

دعوت کمپین همبستگی بین‌المللی کارگران، کنفرانسی در تاریخ ۹ و ۱۰ ژوئن در لندن برگزار گردید. واحد انجمن در انگلستان که از بنیان‌گذاران این کمپین است و از چند سال پیش در آن فعالیت می‌کند نیز در کنفرانس مذکور شرکت فعال داشت.

کارگران ۱۸ کشور، نمایندگان خود را به این کنفرانس اعزام کرده بودند که ۱۱ نماینده گزارش وضعیت کارگران کشورهای خود را برای جمع تشریح کردند. اعضای انجمن نیز ضمن سخنرانی‌هایی و با بازگو کردن مسائل و مشکلات کارگران ایران، تقاضای تصویب قطعنامه پیشنهادی واحد انگلستان انجمن را به کنفرانس دادند. متن قطعنامه انجمن قبلاً در نشریه کمپین همبستگی بین‌المللی کارگران درج شده و به اطلاع حاضرین رسیده بود و پرداختن به آن در دستور کار کنفرانس قرار داشت.

در این رابطه حاضرین سوالاتی کردند که اعضای انجمن به آنها پاسخ دادند. سپس قطعنامه پیشنهادی که در همین شماره نشریه درج شده است، مورد تصویب جمع قرار گرفت.

کنفرانس همچنین تصویب نمود که تمامی نمایندگان شرکت کننده در جلسه، پس از بازگشت به محل کار خود، قطعنامه پیشگفته را به تصویب اتحادیه خود برسانند و سپس مصوبه اتحادیه‌شان را برای شورای اتحادیه‌های انگلستان (TUC) بفرستند. در همین رابطه دبیر کل کمپین همبستگی بین‌المللی کارگران نامه‌ای به دبیر کل TUC ارسال داشت. در این نامه پیشنهاد شده قطعنامه سال ۱۹۹۴ کنگره TUC در باره ایران که متن آن در «کارگر تبعیدی» شماره‌های ۲۸ و ۲۹ درج گردیده، تکمیل شود. ترجمه نامه دبیر کل کمپین را در زیر می‌خوانید:

۱۲ ژوئیه ۱۹۹۶

اصلاحیه قطعنامه ۸۹

کنگره سال ۱۹۹۴ اتحادیه‌های انگلستان در مورد ایران

آقای مونکس عزیز!

ما از بند ج قطعنامه بالا مطلع هستیم که طبق آن، شورای اتحادیه‌های انگلستان از ICFTU (اتحادیه‌های آزاد بین‌المللی) و ILO (سازمان بین‌المللی کار) می‌خواهد هیئتی برای بررسی مسائل کارگران ایران به آن کشور اعزام دارد تا آن هیئت بتواند گزارش بی طرفانه‌ای از وضعیت کارگران ایران تهیه نماید.

با توجه به راهپیمایی‌های اخیر و سرکوب مردم توسط رژیم ایران در تهران و مشهد، من از شورای اتحادیه‌ها درخواست می‌کنم که در این مورد هر چه سریعتر اقدام کنند. به علاوه من توصیه می‌کنم که هیئت بررسی، تعدادی از کارگران ایرانی در تبعید را نیز که دارای سابقه طولانی کار

کارگر تبعیدی را

با انتقادات، ارسال گزارشات و اخبار،

و کمک مالی خود تقویت کنید!

اخبار کارگری

اعتصاب ۲۰ هزار کارگر ریسنده در ترکیه

۲۰ هزار کارگر کارخانه‌های پارچه‌بافی و ریسندگی شهر گازی آنتپ (GAZI ANTEP) ترکیه بعد از تقریباً یک ماه اعتصاب و مقاومت در مقابل تهاجمات وحشیانه پلیس، با پیروزی، کارفرمای خود (شرکت UNALDI) را مجبور به قبول خواسته‌های خود کردند. اعم خواسته‌های کارگران به شرح زیر بود:

۱- برسمیت شناختن اتحادیه. ۲- هشت ساعت کار در روز. ۳- برخورداری از بیمه‌های اجتماعی. ۴- جلوگیری از کار کودکان ۱۵-۱۱ ساله. ۵- بالا بردن پایه حقوق.

در طول این اعتصاب که اتفاقاً هم‌زمان با اعتصاب زندانیان سیاسی انجام شده بود، تجمع کارگران بارها مورد هجوم وحشیانه پلیس قرار گرفت و در این میان تعداد زیادی از کارگران زخمی و تعداد زیادی از آنها از جمله تعدادی از سازمان‌دهندگان این اعتصاب دستگیر شدند.

بارها پلیس نمایندگان اعتصابیون را تهدید به دستگیری می‌نمود، و کارگران نیز در مقابل دولت و پلیس را تهدید می‌کردند که اگر دست به دستگیری آنها بزنند شهر گازی آنتپ را به لرزه در خواهند آورد.

گزارش هیئت اعزامی کارگران اعتصابی کشتیرانی بندر لیورپول به ترکیه که به منظور همبستگی با کارگران اعتصابی ریسندگی و بافندگی شهر گازی آنتپ انجام شد، بیانگر فضای اختناق پلیسی و در مقابل روحیه بالای مبارزاتی کارگران در ترکیه می‌باشد.

در بخشی از این گزارش می‌خوانیم:

در تاریخ ۱۶ ژوئیه من بیلی جنکین (BILLY Jenkin) و یکی از نمایندگان اتحادیه آلمان بنام ادگار ویگلر (Edgar Wiegler) به جنوب غربی ترکیه و شهر گازی آنتپ رفتیم، جایی که ۲۰ هزار کارگر ریسندگی و پارچه‌بافی برای خواسته‌های گفته شده اعتصاب نموده بودند. در آنجا ۶ هزار کارگر تجمع کرده بودند که یک‌دفعه مورد هجوم پلیس قرار گرفتند، نزدیک ۶۰ کارگر دستگیر شدند. چندین نفر زخمی شدند که جراحات بعضی از آنها بسیار شدید بود. من شاهد بودم که پلیس باطوم‌های خود را چنان بر سر کارگران می‌کوبید که بعضی از آنها می‌شکست. کارگران در محاصره کامل بودند بطوری که راه فرای وجود نداشت، حسین اوزدمیر (Huseyin Ozdemir) رهبر کمیته اعتصاب، سه نفر از اعضای حزب انقلابی زحمتکشان، یک روزنامه‌نگار و یک نفر از کمیته حقوق بشر دستگیر شدند.

نماینده کارگران لیورپول گفت من در طول عمر مبارزاتی خودم تا کنون چنین هجوم وحشیانه‌ای را ندیده‌ام، از فاشیست‌ها چیزهایی شنیده بودم ولی اکنون آنرا در ترکیه با خون و پوست خود لمس کردم.

بزرگ‌ترین اعتصاب در زیمبابوه بعد از استقلال این کشور

کلیه بخش‌های کارکنان بیمارستان‌های دولتی، بخشی از کارکنان شهرداری و کارکنان هواپیمایی دو هفته در حال اعتصاب بودند، که بزرگ‌ترین اعتصاب از سال ۱۹۸۰ بعد از استقلال زیمبابوه می‌باشد.

در ۲۶ اوت نزدیک به ۷۰۰۰ اعتصابی در مرکز پارک خزانه (پایتخت زیمبابوه) برای شنیدن سخنرانی‌های رهبران اتحادیه‌های خود علیه اقدامات ضد کارگری حکومت رویرت موگابه تجمع کردند.

رئیس اتحادیه انجمن خدمات اجتماعی جی‌ومور ماسرنگر را با تمسخر اظهار داشت:

«تهدید راه‌حل نیست مردانگی آنست که در مقابل مشکلات قرار گرفت، درست رویروی آن‌ها، وضع ما را درست درک کن ما تحقیر را نخواهیم پذیرفت حق ما را پرداخت کن!»

پلیس مجهز به تفنگ‌های نیمه‌خودکار و هفت‌تیر و گازاشک‌آور آماده اقدام علیه اعتصابیون بود. تمام اعتصابیون که شامل پرستاران، کارمندان حسابداری، دکترها و مهندسیین می‌باشند، جمعه گذشته بوسیله وزیر کار این کشور (فلورانس‌چی تررو) اخراج شدند. او گفت: «تمام کارکنان خدمات دولتی که بر سرکار خود برنگشته‌اند اخراج شده و به آنها اجازه برگشت به کار داده نمی‌شود» او مرتب این حرف را در تلویزیون تکرار می‌نمود.

اعتصابیون اولتیماتوم چی تررو را به مسخره گرفته و در این رابطه آقای ماسرنگر گفت «برای اخراج کارگران یک مرحله‌ای را باید طی کرد که دولت می‌بایستی آنها را طرح کند.» ما مزدور تلویزیون نبودیم. بنابر این بوسیله تلویزیون نمی‌توانید ما را اخراج کنید!»

اعتصابیون ۶ تا ۹ درصد اضافه حقوق را نمی‌پذیرند آنها می‌گویند حداقل اضافه حقوق می‌بایستی با مقدار تورم در زیمبابوه که ۲۶ درصد می‌باشد برابری کند. آنها می‌گویند که طبق تحقیقات دولتی حقوق بگیران کارکنان بخش خصوصی ۱۷۵ درصد بیش از بخش دولتی مزد می‌گیرند.

نمایندگان اتحادیه کمیته خدمات دولتی گفتند که «کارکنان خدمات دولتی در این کشور بطور فاحشی حقوقشان پائین است.

تاکنون اعتصابیون بدون خشونت به پیش رفته است، سه نفر از سازمان‌دهندگان اعتصاب دستگیر و به شرط نرفتن به جمع اعتصابیون آزاد گردیده‌اند.

بیمارستان‌های زیمبابوه فعلاً بوسیله خدمات درمانی بخش ارتش و با کمک داوطلبان صلیب سرخ اداره می‌شود. پست خارجی و تعداد زیادی از پروازها لغو شده‌اند.

شروع اعتصاب بدان شکل بود که پرستاران بیمارستان‌ها امسال انتظار داشتند که حداقل در مقابل تورم، ۲۰ درصد اضافه حقوق دریافت کنند که دولت تنها ۶ درصد اضافه حقوق به آنها پیشنهاد داده، در نتیجه آنها بسیار خشمگین شدند و اعتصاب به سرعت در تمام بیمارستان‌های کشور گسترش پیدا کرد و دامنه آن نیز به دیگر کارکنان خدمات دولتی گسترش یافت.

مقامات دولتی گفتند که اعتصابات غیرقانونی بوده و دستور دادند که اعتصابیون فوراً به کار خود بازگردند.

موگابو گفت: «ما با مهربانی با اعتصاب غیرقانونی برخورد نخواهیم کرد. تعداد کارکنان بخش خدمات دولتی به اندازه کافی زیاد هستند، شاید اکنون موقعیت خوبی باشد که آنها را کم کنیم.» آقای موگابو با وجود چنان تهدیداتی انتظار مذاکره با کارگران را هم دارد!

لازم به یاد آوری است که دکترهای بخش دولتی در عرض ۶ سال گذشته ۴ بار دست به اعتصاب زدند که در دو مورد دولت آنها را اخراج کرد و درست بعد از چند روز آنها را دوباره به استخدام درآورد.

مترجم: حسن

برگردان از روزنامه انگلیسی گاردین تاریخ ۲۷ اوت ۹۶

محاکمه رهبران کارگران اعتصابی در اوکراین

پس از اعتصاب کارگران معادن زغال‌سنگ اوکراین که با خواست پرداخت نوری پنج ماه دستمزدهای عقب افتاده‌شان در ماه ژوئیه انجام شد، برخی از رهبران کارگران اعتصابی در اوایل ماه آگوست بازداشت شدند که از جمله می‌توان به میخائیل کرلیف، رهبر کمیته اعتصاب معادن Donetsk، الکساندر دمیانیوچ رهبر سندیکای مستقل معادن

اعتصاب کارگران و پشتیبانی توده‌ای از آنان، فضای کشور را تحت تأثیر قرار داد و حکومت یلتسین را وادار نمود تا با تعجیل دستمزدهای مارس و آوریل را واریز نماید. یلتسین وزیر انرژی خود را به دیدار کارگران فرستاد و وزیر قول پرداخت نمودن دستمزدهای ماه‌های بعد را نیز داده است.

با پرداخت ۲ ماه دستمزد و قول پرداخت نمودن همه مبلغ آن، معدنچیان منطقه پری مُریه اعتصاب خود را با این شرط قطع کرده‌اند که تا ۲۵ اوت همه دستمزدهای معوقه پرداخت شود. آنها گفته‌اند که اگر تا این تاریخ دستمزدها پرداخت نشود، اعتصاب را از سر خواهند گرفت. با وجود این در پاره‌ای از مناطق تولید زغال و شاخه‌های صنعتی آن در سراسر روسیه، اعتصاب همچنان ادامه دارد.

جنبش توده‌ای در اردن علیه رژیم ملک حسین

رژیم سلطنتی اردن مطیعانه طرح‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را در کشور خود پیاده می‌کند. بر این اساس سوسید (یارانه) نان و مایحتاج ضروری مردم را حذف نموده و باعث افزایش سرسام‌آور بهای نان و شیر و... گشته است.

صعود بهای مایحتاج اساسی مردم، جرقه‌ای بود برای اعتراضات گسترده توده‌ای در این کشور. در ۱۶ اوت جنبش اعتراضی از کاراک (واقع در ۱۶۰ کیلومتری جنوب عمان) آغاز شد و به سرعت به سایر مناطق اردن گسترش یافت. در ماسار، تافیله، معان و بالاخره در مناطق فقیرنشین عمان پایتخت این کشور مردم به پا خواستند. آنها نه تنها خواهان کاهش بهای نان به قیمت سابق شدند، بلکه خواهان استعفای حکومت گشتند.

در روز شنبه ۷ اوت، رژیم سلطنتی اردن ارتش را به خدمت گرفت و ارتشیان را بر علیه مردم وارد میدان کرد. نیروهای نظامی شهرهای مختلف اردن را تحت کنترل خود درآوردند، مجاری ورودی شهرها را مسدود نمودند و رهگذران و عابریان را مورد بازجویی قرار دادند. روز یکشنبه خودروها و تانک‌های ارتش وارد خیابان‌ها شدند. نظامیان در کاراک برای سرکوب اعتراضات توده‌ای، مجازات‌های ویژه‌ای تعیین نمودند و حداقل ۱۵۰ نفر را بازداشت کردند.

ملک حسین پادشاه اردن و مامورین وی، روزنامه‌ها و وسایل ارتباط جمعی اردن را به خدمت گرفته و علیه اعتراضات مردم به تبلیغات می‌پردازند. ملک حسین «قدرت‌های خارجی» و بویژه عراق را متهم می‌کند که به قیام دامن می‌زنند. رژیم سلطنتی به این واقعیت بی‌اعتنا است که حدود نیمی از جمعیت ۵ میلیونی اردن زیر خط فقر زندگی می‌کنند و افزایش بهای نان به معنای مرگ برای آنهاست.

بخشی از فقرای اردن را فلسطینی‌ها تشکیل می‌دهند که بر اثر اشغال سرزمین‌شان توسط رژیم سرکوبگر اسرائیل به این کشور رانده شده‌اند و اکنون یک میلیون نفر را شامل می‌شوند.

قیام مردم اردن نه تنها علیه افزایش قیمت‌ها، بلکه هم‌چنین علیه مناسبات نزدیک و وابستگی رژیم این کشور به آمریکا و سایر دول غربی است. آنها مخالف به اصطلاح «صلح» ویژه آمریکایی-اسرائیلی هستند که حقوق مردم فلسطین و اعراب را ضایع می‌کند. همکاری‌های این رژیم با آمریکا هر روز باعث تسلط بیشتر حکومت آمریکا بر این کشور و منطقه می‌شود.

رشد روزافزون نژادپرستی در آمریکا

سازمان نژادپرست کوکلس کلان روز به روز بر دامنه فعالیت‌های جنایت‌آمیز خود در آمریکا می‌افزاید. در سال جاری چندین کلیسا در

اوکراین (IUMU)، ریوری آرکیپوچوک رهبر کارگران معادن Menzhinski اشاره نمود. در اوایل سپتامبر مقامات دادستانی برای میخائیل کریلف، بلبل رهبری و سازمان‌دهی اعتصاب غیرقانونی و به جرم ممانعت از تولید ۴ میلیون تن زغال‌سنگ و ضربه زدن به اقتصاد کشور تقاضای سه سال زندان (شامل ۲ سال کار در اردوگاه کار اجباری) و جریمه‌ای معادل ۱۲۰ برابر دستمزد ماهانه‌اش نمودند. این در حالی است که دولت اوکراین برابر طرح پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول در نظر دارد بزودی طی ۲ مرحله تعداد زیادی از معادن زغال‌سنگ این کشور را تعطیل و کارگران شاغل در این معادن را اخراج کند. در مرحله اول این طرح ۵۰ معدن زغال‌سنگ تعطیل و ۳۳۸۶۰ کارگر اخراج خواهند شد و در مرحله دوم ۱۰۲ معدن دیگر تعطیل خواهند شد و کارگران این معادن نیز به خیل یکاران خواهند پیوست.

در ۱۲ آگوست کارگران برخی از معادن زغال‌سنگ در اعتراض به بازداشت رهبران خود و با خواست آزادی فوری آنان اعتصاب یک‌روزه‌ای را برگزار کردند و پس از آن نیز تنش میان کارگران معادن و مقامات دولتی ادامه داشته است. رهبران کارگری معادن زغال‌سنگ اعلام نموده‌اند بزودی اعتصاب وسیع‌تری با خواست عدم تعطیل معادن و آزادی رهبران اعتصاب ژونیه برگزار خواهند کرد.

اعتصاب ۱۰۰۰۰۰ کارگر معدن در روسیه

در سراسر روسیه صدهزارتن از کارگران معادن زغال‌سنگ اعتصاب کردند. این حرکت گسترده از اواسط ژونیه از منطقه پری مُریه - Primorje - (واقع در شرق سیبری) آغاز شد.

دولت و کارفرمایان از ماه ژانویه (دی‌ماه ۷۴) دستمزد کارگران را پرداخت نکرده‌اند، این انگیزه‌ای بود برای آغاز اعتصاب و گسترش آن. در قدم اول حدود ۱۵۰۰۰ معدنچی پری مُریه وارد اعتصاب شدند و به دنبال آن‌ها معدنچیان کِمُرُف - Kemerowo - (در غرب سیبری)، راستوف - Rastow - در کنار دون (جنوب روسیه)، معادن زغال مسکو اطراف تولا - Tula - و ورکوتا - Workuta - به اعتصاب پیوستند و اعتصاب ۱۰۰۰۰۰ تن را دربر گرفت.

۸۰۰۰۰۰ معدنچی در روسیه به کار مشغولند، در منطقه پری مُریه ۲۸ هزار کارگر در معادن کار می‌کنند. در آنجا کارفرمایان طبق یک برنامه از پیش تنظیم شده در حال تعطیل نمودن معادن هستند. تاکنون دو معدن نیز تعطیل شده است. کارفرمایان قصد دارند از ۲۲۰ معدن ۱۴۰ معدن را در سراسر روسیه تعطیل کنند.

خواسته‌ای که توانسته ۱۰۰۰۰۰ کارگر را در سراسر کشور پهناور روسیه با هم متحد کند و به عمل مبارزاتی مشترک رهنمود نماید، پرداخت به موقع دستمزدهاست. یلتسین رئیس جمهور روسیه که در تبلیغات انتخاباتی خود وعده پرداخت دستمزدهای معوقه و پایان بخشیدن به جنگ را داده بود، بعد از انتخابات زیر قول‌هایش زد و موجی از تنفر و انزجار را دامن زد. در مجامع عمومی کارگران اعتصابی، خواسته «استعفای حکومت» و «خاتمه دادن به جنگ با مردم چین» طرح می‌شود و شعار «یلتسین دروغگو» زبان‌زد خاص و عام گشته است.

کاراکتر خودپوی اعتصابات حائز اهمیت است. اعتصابیون به سایر بخشهای کارگری و حقوق‌بگیران روی آورده‌اند و از آنها طلب پشتیبانی می‌کنند. در پری مُریه، کارگران معدن از سوی کارگران نیروگاه‌ها، کارمندان و پزشکان مورد حمایت قرار گرفته‌اند. زنان کارگر در این اعتصابات فعالند. آنها اعتصاب غذای ۳۴۰ کارگر نیروگاه را به هم مرتبط ساخته‌اند. زنان می‌گویند ما چه با اعتصاب غذا و چه بدون آن، به‌رحال همواره گرسنه‌ایم!

کوکلس کلان‌ها برای ایجاد رعب و وحشت میان توده‌های زحمتکش آمریکا، روزبه روز بر دامنه تهاجمات و فعالیت‌های خود بیفزایند.

اخبار کارگری از هلند

* بخش خدمات درمانی و پزشکی قرار است در ژانویه سال ۱۹۹۷ مدت ۳۶ ساعت در هفته کار کند. این تحول محصول ماهها تلاش بی وقفه اتحادیه کارگری در این بخش بود و سرانجام در روز شنبه ۱۹۶/۶/۲۲ واسطه طرفین به توافق رسیدند. در این بخش حدود ۳۲۰،۰۰۰ کارگر و کارمند شاغل می‌باشند.

در اثر اجرای سیاست فوق حدوداً ۱۰،۰۰۰ محل کار اضافه در این بخش ایجاد خواهد شد. یکی از نقاط منفی این سیاست این است که شنبه‌ها مانند روزهای معمول هفته به حساب می‌آید و از این بابت دیگر اضافه پرداخت نخواهد شد. هم چنین قرار شده است که همه ساله بطور ثابت ۲ درصد به حقوق‌ها اضافه شود.

Algemene dagblad ۹۶/۶/۲۴

* در کارخانه ذوب آهن دیگر جایی برای کارگران بی‌سواد، مسن خارجی‌ها نمی‌باشد.

در کارخانه ذوب آهن شهر IJmuiden حدوداً ۴۰،۶۳۰ کارگر مشغول کار هستند. همه ساله بیش از صدها تن اخراج می‌شوند و قرار است تا سال ۲۰۰۰ بیش از ۸۵۰۰ کارگر دیگر اخراج گردند. از کل کارگران و کارکنان شاغل در این کارخانه بزرگ فقط ۱۲۰۳۰ کارگر و یا کارمند دانشی هستند.

روزنامه هارلمس داخبلاد ۹۶/۶/۱۴

* استثمار موجب کشتن بیش از ۲۵،۰۰۰ کودک در روز می‌باشد. در تاریخ ۲۰ مه سازمان بهداشت جهانی گزارش سالیانه خودش را منتشر کرد. در این گزارش آمده است که ۱۷،۰۰۰،۰۰۰ نفر بخاطر فقدان حداقل‌ترین تأمینات درمانی و پزشکی از بین رفته‌اند و از این تعداد ۹،۰۰۰،۰۰۰ تن در سن ۵ سالگی می‌باشند.

ماهنامه رود مورخن

* در سال ۱۹۹۳ اداره ثبت و اسناد و آمار کشور اعلام کرد که هلند بیش از ۱۰۰،۰۰۰ میلیون دارد. این آمار به نسبت سال ۱۹۹۲، ۲۲ درصد افزایش داشته. بنابر این گزارش، نصف این سرمایه عظیم تشکیل شده از سهام‌های بزرگ در بازار بورس. و این سهام‌ها نیز در سال ۱۹۹۵ به مقدار ۱۵ درصد افزایش داشته است. همچنین در این گزارش آمده که هلند بیش از ۲۵ میلیارد به جز اعضای خانواده سلطنتی دارد.

مناطق مختلف آمریکا بدلیل شرکت سیاهپوستان در مراسم مذهبی این کلیساها، مورد حمله کوکلس کلان‌ها قرار گرفته است و در طی سال ۹۵ و ۹۶ ماهه اول سال ۹۶ بیش از ۳۰ مورد تهاجم به کلیساهای آمریکا توسط این جریان گزارش شده است.

با وسعت یافتن فعالیت‌های کوکلس کلان‌ها در سال‌های اخیر و موج نارضایتی عمومی که در پی داشته است، بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا در ماه آوریل اعلام کرد که دولت آمریکا پس از این بشکل جدی‌تری این مسئله را تعقیب و فعالین این اقدامات نژادپرستانه را به مقامات قضایی تسلیم خواهد کرد.

اما واقعیت این است که دولت آمریکا تاکنون هیچ اقدام قاطع و مثبتی در جهت تعقیب و دستگیری کوکلس کلان‌ها انجام نداده است و بعید است که در آینده نیز انجام دهد. اما چرا بخصوص در سال‌های اخیر نژادپرستی و خارجی‌ستیزی در آمریکا افزایش یافته است!!

طبق آمارهای رسمی که بسیار پائین‌تر از آمارهای واقعی هستند، بیش از ۳۰ میلیون نفر در آمریکا در زیر خط فقر زندگی می‌کنند و اکثریت این افراد را سیاهپوستان و خارجیان (اتباع کشورهای عقب‌مانده) تشکیل می‌دهند. شرایط معیشتی ده‌ها میلیون نفر دیگر نیز تعریف چندانی ندارد، روزبه‌روز تورم و بیکاری و فقر افزایش می‌یابد و تهاجم به حقوق کارگران و توده‌های زحمتکش افزایش می‌یابد و در این میان سیاهپوستان و اتباع کشورهای عقب‌مانده نیز روزبه‌روز سهم بیشتری از تورم و بیعدالتی قضایی را دریافت می‌کنند.

هنوز انفجار خشم سیاهپوستان در آمریکا که چند سال قبل در پی کشته شدن یک سیاهپوست توسط پلیس‌های سفیدپوست و تیرنه پلیس‌ها توسط دادگاه رخ داده، از یاد نرفته است. بسیاری از سیاهپوستان در شهرهای مختلف آمریکا به خیابان‌ها ریختند و پلیس آمریکا پس از چند روز بعد از دست یازیدن به سرکوب وحشیانه توانست آرامش را برقرار کند. اما چرا هرگاه که بحران‌های سیاسی - اقتصادی وسعت می‌یابد، نژادپرستی و فاشیسم نیز متناسب با آن رشد می‌کند؟ در آمریکا در سال‌های اخیر با توسعه بحران‌ها، فعالیت کوکلس کلان‌ها نیز افزایش یافته و بخصوص در ایالات غرب میانه و جنوب آمریکا این امر بیشتر بچشم می‌خورد.

امپریالیست‌ها منحصراً در کشورهای تحت استعمار به تحریک و تقویت احساسات نژادپرستی و ناسیونالیستی و رودرو کردن ملت‌ها اقدام نمی‌کنند بلکه در کشورهای مترویل نیز دستجات و گروه‌های نژادپرست و فاشیست را تقویت کرده و زیر بال و پر خود می‌گیرند و امروزه از آلمان گرفته تا آمریکا و از ژاپن گرفته تا فرانسه، سازمان‌های راسیست، فاشیست و ناسیونالیست افراطی تحت حمایت انحصارات مختلف روزبه‌روز قدرت بیشتری می‌یابند. در مورد آمریکا، هر چند سابقه تاریخی کوکلس کلان‌ها به دوران جنگ داخلی و به دارودسته‌های تحت حمایت برده‌داران باز می‌گردد ولی در طول تاریخ متناسب با احتیاجات سرمایه‌داری و در حال حاضر متناسب با مقتضیات سرمایه‌داری انحصاری کنونی شکل جدیدی بخود گرفته است و از این رو کوکلس کلان‌ها هر چند سابقاً فقط به دشمنی با سیاهپوستان می‌پرداختند ولی دشمنی با مهاجرین کشورهای عقب‌مانده، کمونیست‌ها، و کاتولیک‌ها را نیز بتدریج در دستور کار خود قرار دادند.

در کشورهای سرمایه‌داری، نژادپرستی و ملی‌گرایی شوینیستی همواره در بستر خارجی‌ستیزی رشد می‌کند و بخصوص هر زمان که بحران‌های اقتصادی - سیاسی شدت می‌یابند و توده‌های مردم بیش از پیش با تنگناهای معیشتی مواجه می‌شوند دارودسته‌های راسیست، فاشیست و نازیست و... متناسب با شدت بحران و در حقیقت متناسب با رشد مبارزات توده‌ها، تحت حمایت دولت و سرمایه‌داران فعالتر می‌شوند و از این رو طبیعی است که برخلاف وعده و وعیدهای جناب کلینتون،

با کارگر تبعیدی

همکاری کنید!

بگذار سخن بگویند

از رنج‌ها و مبارزات‌شان، از پیروزی‌ها و شکست‌هایشان و از امیدشان به آینده. بگذار بدون تفسیر و توضیح و رهنمود، و بدون اسطه سخن بگویند. از زبان خودشان بشنویم.

در این شماره نشریه اشاره‌ای به برگزاری کنفرانس همبستگی بین‌المللی کارگران در تاریخ ۸ و ۹ ژوئن در لندن کردیم. همانگونه که در آنجا ذکر شده، در کنفرانس مذکور نمایندگان کارگران از ۱۸ کشور و اتحادیه مختلف (از ایران نیز دو تن از اعضای انجمن کارگران پناهنده و مهاجر) شرکت داشتند که در این میان ۱۴ تن از نمایندگان سخنانی پیرامون وضعیت کارگران کشورهای خود برای حاضرین ایراد نمودند.

به لحاظ اهمیت و طرح نکات مهمی که سخنرانان مختلف از وضعیت کارگران کشورهای خود در کنفرانس بیان نمودند، ما بخش‌هایی از گفتار آنان را در این شماره نشریه درج می‌کنیم، تا از این رهگذر سهمی در جهت شناساندن شرایط کارگران این کشورها ادا نموده باشیم.

سخنان نمایندگان کارگران در «کنفرانس همبستگی بین‌المللی»

* سخنان نماینده کارگران بندر لیورپول - انگلستان

در این سفرها به آنچه رسیدیم این بود که اقتصاد جهانی سرمایه‌داران و کارفرمایان همه ما کارگران را در چهارچوب مشخص شده قرار داده و دقیقاً دارای شرایط مشابه یکدیگر هستیم. همان کشتی‌ها، همان مالکیت خصوصی، همان کمپانی‌های بین‌المللی که همگی آنها، تنها و تنها بفرکر سود بیشتر برای خودشان هستند.

متأسفانه در این مبارزه هیچ فردی از گروه‌های سیاسی موجود انگلستان در کنار ما نبوده است. همچنین رسانه‌های گروهی با عدم درج اخبار مبارزاتی ما، کارگران سایر کشورها را در بی‌خبری مطلق از وضعیت ما قرار داده بودند. ما متوجه شدیم همین مشکلات را کارگران سایر کشورها نیز دارا هستند.

ما اقدام به سازمان‌دهی یک کنفرانس بین‌المللی در لیورپول کردیم که از ۱۵ کشور مختلف در این کنفرانس شرکت کردند. با صحبت‌هایی که در این کنفرانس شد، ما متوجه شدیم که از سال ۱۹۸۹ یک هماهنگی کامل برای نابودی اتحادیه‌ها در اکثر کشورها بوجود آمده است.

این حملات از جمله بکارگیری کارگر موقت و روزمزد است. کارگر موقت حق مذاکره، و حق دریافت حقوق بیکاری و تعطیلات را ندارد.

در همین اعتصاب، ما افراد اعتصاب شکن داریم که آنها نیز از حقوق قید شده بی‌بهره هستند. ما فردی را برای اطلاع از وضعیت این اعتصاب‌شکنان به داخل بندر فرستادیم. در قرارداد اینها، قید شده دستمزد مساوی برای همه. یعنی این مهم نیست که شما کارتان را ۸ صبح شروع می‌کنید یا ۱۲ شب. وقتی کارتان تمام شد حق رفتن بمنزل را بدون اجازه ندارید. اگر مریض شوند برای ۱۲ هفته اول حقوقی دریافت نمی‌کنند. در این پروسه ممکن است فرد از بین برود تا بتواند حقوق ناچیزی از اینها دریافت کند. همچنین اگر بطور اتفاقی شما در بندر خواستی کارفرمای جدیدی را برای خود انتخاب کنی مجاز هستی ولی بایستی معادل حقوق ۶ ماه خود را به کارفرمای قبلی پردازی تا کارفرمای جدید تو را برای کار بپذیرد. (خنده حضار)

اینها نمونه‌ای از قراردادهایی است که با کارگران موقت بسته شده است، بدون از دخالت اتحادیه. فقط دو طرف، یک طرف کارگر موقت و طرف دیگر کارفرما. هیچ قرارداد سه جانبه‌ای، یعنی با دخالت اتحادیه بسته نشده است.

از مقطع روی کار آمدن حزب محافظه‌کار با بیکارسازیهای وسیعی که

ما بخاطر اینکه اعتقاد راسخ داریم که هیچگاه نباید اعتصاب شکن باشیم از کار اخراج شده‌ایم. با وجود قوانین اتحادیه‌ای در این کشور ما در وضعیتی قرار گرفتیم که هیچ راهی بجز دخالت و عمل مستقیم برای دفاع از موقعیت شغلی خود نیافتیم.

ما یک کمیته اعتصاب غیرقانونی تشکیل دادیم. بخاطر قوانین ناظر بر اتحادیه‌ها و موقعیت خاصی که در آن قرار داریم، ما هر روز قانون را شکسته‌ایم. بر علیه این قوانین مدت ۹ ماه است که در حال مبارزه هستیم. اگر چه این یک اعتصاب غیرقانونی است ولی اتحادیه آن را بعنوان یک مبارزه برسمیت شناخته و به لحاظ مالی و راههای قانونی دیگر تا آنجا که قادر باشد از ما حمایت می‌کند. ما در این مدت از تمامی مردم کشور و تشکلات مختلف تقاضای پشتیبانی و کمک کرده‌ایم. با وجود اینکه همبستگی‌های زیادی با ما شده ولی به خاطر وضعیت خاص قانون در این کشور این حمایت‌ها به جایی نرسیده است.

بنابر این سعی کردیم در سطح جهان، حمایت کارگران سایر کشورها را بدست آوریم و آنها را در مبارزه خود شریک سازیم.

ما برای جلب همبستگی سایر کارگران بنادر به دیگر کشورها سفر کرده و در آنجا آکسیونهای اعتراضی سازماندهی کردیم. من یکی از این کارگران بودم که به اسپانیا رفتم. ما از اعلام همبستگی که کارگران سایر کشورهای جهان با ما نمودند، واقعاً شگفت‌زده شدیم.

تنها از طرف اتحادیه ما دو نفر جهت جلب همبستگی به استرالیا رفتند و اینها اولین و آخرین افرادی بودند که اتحادیه آنها را فرستاد. (خنده حضار)

ما به آمریکا رفته و در بندر نیوجرسی یک پیکت (تجمع اعتراضی) را سازماندهی کردیم. تمامی کارگران آن بندر به این تجمع پیوستند و حتی یک نفر از کارگران آن بندر از صف اعتراضی خارج نشد. همانطور که گفتم ما به کشورهای زیادی جهت جلب همبستگی رفتیم. خود من مدت کوتاهی است که از نروژ، آلمان و دانمارک برگشته‌ام.

در این کشورها نیز ما متوجه شدیم که بخاطر وجود قوانین، ارتش و حکومت، کارگران بسختی قادرند از وضعیت شغلی خود دفاع کنند چه برسد به حمایت از سایر کارگران جهان. همگی آنها به سهم خود دارای مشکلات فراوانی هستند.

ایجاد اختلال در نظم استفاده می‌کند. در هر تظاهرات و یا در پیرو
اشغال کارخانجات، کارگران سازمانده، بعنوان مسئول این بی‌نظمی، گزارش
اغتشاش شناخته می‌شوند. این نتیجه این ظلم عظیم است. در سوم اکتوبر
۹۵ بیش از ۷ هزار کارگر بیکار همراه با خانواده‌هایشان تظاهرات
مسالمت آمیزی را سازمان‌دهی کردند که از طرف عده‌ای از مردم نی‌کردن و
مورد پشتیبانی قرار گرفتند. این همکاری موفقیت با اهمیتی را بسند
آورد. موفقیت اختصاص دادن هزینه ۱۴۰ یوند در ماه برای حقوق کارگران
بیکار بود. آنچه که در دیگر نقاط آرژانتین بی‌سابقه بود.

حکومت‌های ناعبده‌ای بخاطر تقاضای قطع بودجه بوسیله حکومت دارد و
مرکزی تصمیم گرفتند که این حقوق بیکاری را قطع کنند. نمایندگان مسئله
کارگران ضمن تظاهرات به جلوی ساختمان حکومتی رفتند تا با مسئول کمیسیون
دولت صحبت کنند. جواب آنها، حمله پلیس با گاز اشک‌آور و باطوم بود. برخی
این حرکت، عکس‌العمل شدید کارگران را برای جلوگیری از حمله پلیس و نقش
بدنبال داشت که بعضی از افراد پلیس زخمی شدند.

در صف مقاومت «پناریو» و چند نفر دیگر دستگیر شدند. استفاده از دهیم
قانون «تحریک کنندگان» پروسه معمولی حقوقی را بشکل دیگری تغییر
می‌دهد. قضات ضمن اینکه کارگران را از داشتن وکیل مدافع محروم
می‌کنند برای این کارگران تقاضای اشد مجازات را نموده‌اند.

«پناریو» در حال حاضر در یک وضعیت بسیار بدی در زندان نگهدار
می‌شود. این وضعیت بوسیله قضات به او تحمیل شده. او در یک سلول
انفرادی به مساحت ۱/۵ متر مربع بسر می‌برد. زندان او در روستا
کوچکی قرار دارد که فاصله آن تا محل سکونت خانواده و دوست
«پناریو» ۱۰۰ کیلومتر است. آنها برای رفتن به ملاقات در این بخش
مشکلات زیادی روبرو می‌شوند.

«پناریو» عضو گروه «جنش برای سوسیالیسم» است و «کریستینو»
نیز عضو «جنش برای سوسیالیسم» و کاندید انتخابات گذشته و دبیر
اتحادیه کارگران ساختمانی می‌باشد.

این وضعیت ناهنجار در مورد «اسکار مارتینز» اعمال می‌شود.
دبیرکل اتحادیه کارگران مکانیک است. کسی که مبارزه بر علیه
شدن کارخانجات را در ناحیه «دتیا کراوا» در جنوب آرژانتین که مرکز
کارگران مکانیک است رهبری کرد.

در روز اول مارس در منطقه «دوشای» شهری که در جهان مشهور
است، از مرکز این شهر کارگران بر علیه بسته شدن کارخانجات شروع
راهپیمایی کردند. پلیس ضمن حمله به راهپیمایان تعدادی از کارگران
جمله «ریویال مستالنا»، «انجل بری»، «ادواردو سیتر» و «اسکار مارتینز»
دستگیر کردند.

در یازدهم آوریل کارگران کارخانه «کینتاتال» را اشغال کردند.
حمله پلیس یک کارگر کشته و تعداد بیشماری زخمی و دستگیر شدند.
سیستم قضایی تلاش بسیاری را آغاز کرد که مدعی شود این شورش
توسط «اسکار مارتینز» سازمان‌دهی شده، و توسط دادگاه او مقصود
شناخته شده است. این اتهام در آینده می‌تواند او را برای سالها در زندان
نگهدارد.

در پایان صحبت‌هایم، یادآور می‌شوم که در رابطه با دستگیری
محکومیت تعداد بیشماری از کارگران یک مبارزه بین‌المللی توسعه پیدا
کرده و رفقای ما در انگلستان بهمین مناسبت یک تجمع اعتراضی در
۱۲ ژوئن از ساعت ۶ تا ۷/۵ جلوی سفارت آرژانتین سازمان‌دهی
کرده‌اند.

* سخنان نماینده اتحاد بین‌المللی کارگری برزیل

من درود و سلام اعضای اتحاد بین‌المللی کارگران برزیل را به شما
می‌رسانم. من از اعضای حزب کارگران سوسیالیست هستم. علاقه مندم که

بوجود آورند آنها یک موج کارگر اعتصاب‌شکن را سازماندهی کرده‌اند.
متأسفم که بگویم افراد جوان در این کشور فاقد هر گونه تشکل و اتحادیه
هستند و از حمایت اتحادیه‌ها محرومند. بنابر این ما دارای مسئولیت
سنگینی بخاطر خصلت مبارزاتیمان هستیم و در این مقطع بعنوان پیشگام
جنش و جنبش اتحادیه‌ای قلمداد می‌شویم. هرگونه حرکتی که ما بشکل
سراسری انجام می‌دهیم، کارفرمایان آنرا با سکوت برقرار می‌کنند. اما در
واقع ما در حال پیروز شدن هستیم. کارفرما می‌گوید ما موفق نمی‌شویم
ولی ما اطمینان داریم که پیروز می‌شویم.

مثالی می‌آورم: در سه روز گذشته بسبب عدم بازگیری در بندر اصلی
۱۶ درصد از سهام کاسته شده. ما می‌دانیم یک درصد از سهام این
شرکت‌ها برابر با یک میلیون یوند است. بنابر این ما در مورد ۱۶ میلیون
یوند در ظرف سه روز صحبت می‌کنیم.

اگر ما موفق نشویم، دیگری در حال موفق شدن است، ما نمی‌دانیم
آن دیگری کیست، اما مسئله‌ای را به خوبی متوجه شده‌ایم که سرمایه‌داران
آدمهای بسیار ضعیفی هستند، اگر نرخ سهامشان و سودشان پائین بیاید،
حتما به زانو در خواهند آمد. (تأیید حضار)

من موافق نظر «جمیز کُلی» هستم که گفته است «اگر مبارزه نکنی
بازنده هستی، ولی اگر مبارزه کنی ممکن است پیروز شوی!»
بنابر این ما تصمیم گرفته‌ایم که پیروز شویم!

* سخنان نماینده یکی از اتحادیه‌های کارگری آرژانتین

قبل از هر چیز تشکر مرا بخاطر وقتی که بمن داده‌اید، بپذیرید.
نمی‌خواهم وقتتان را زیاد بگیرم، فقط روی مشکلات فعلی که کارگران
آرژانتین با آن درگیر هستند صحبت می‌کنم. از ازدیاد ستم و فشار دولت
آرژانتین و سیستم قضایی و حقوقی این کشور، بر علیه مبارزه عمومی و
جنبش طبقه کارگر که در ماه‌های اخیر سرکوب‌های دولت آرژانتین افزایش
یافته است، از سیستم قضایی، دولت، پلیس و قوانین مسلط بر این
سیستم و سرکوب شدید اعتراضات کارگران می‌خواهم صحبت کنم.

مشکلات اجتماعی که بخاطر بحران و اجرای برنامه اقتصادی‌ای که
بوسیله صندوق بین‌المللی پول به این کشور دیکته شده، سبب بیکاری
۲۵ درصد از کارگران گردیده است. این در حالی است که کارگران از
دریافت حقوق بیکاری محرومند. در چنین موقعیتی بخش‌هایی از کارگران
در مقابل بسته شدن کارخانجات، خصوصی‌سازها و برسمیت نشناختن
قوانین مسلط بر جامعه کارگری و عدم پرداخت حقوق بیکاری دست به
مبارزه زده‌اند.

در تظاهراتی که در سراسر کشور بوقوع پیوست بیش از ۳۰۰ کارگر
که در اعتراضات فعال بودند دستگیر و در دادگاه‌ها حکم محکومیت بر
علیه آنان صادر شد. این در حالی است که شکنجه‌گران و قاتلان مردم که
بخشی از دیکتاتوری نظامی، دیکتاتوری‌ای که مدت ۲۰ سال طول کشید
را تشکیل می‌دادند، آزادند و بعد از رهایی ما از آن دیکتاتوری و
تعویض حکومت، ما قادر نشدیم آنان را به پشت میز محاکمه بکشانیم.
حکومت، کارگران را تحت تعقیب قرار داده و به محاکمه می‌کشاند. تنها
جنایت کارگران این است که بخاطر موقعیت اسفناکی که دارند روی
مطالبات خود پافشاری کرده و صدای اعتراض خود را بلند کرده‌اند.

نمونه‌هایی را بازگو می‌کنم: «پروسیو پوناریو» و «آرسادوز کریستینون»
در زندان ناحیه «نخوان» هستند. «اسکار مارتینز» در منطقه
«تیرزداختیو» محکوم شده. بویژه در منطقه «نخوان» حکومتیان آزمایش
خود را پس دادند که دلیلی بر درنده‌خویی حکومت و سیستم قانونی بود.
«پناریو» و «آرسادوز» امکان دارد به ۱۰ سال زندان محکوم شوند.
عمده‌ترین منابع قوانین موجود، از قوانین دیکتاتوری نظامی گذشته به
ارث رسیده است. حکومت از آن قوانین برای محکوم کردن کارگران بعنوان

* نماینده اعزامی به بوسنیا

نماینده اعزامی کمپین همبستگی بین‌المللی اتحادیه کارگری به بوسنیا گزارشی از فعالیت‌های خود را به شرح زیر به جلسه ارائه داد:

آن چیزی که در وسائل ارتباط جمعی انگلستان در رابطه با موقعیت طبقه کارگر و جنگ یوگسلاوی نشان داده شده، همگی از صافی امپریالیسم و حکومت آن گذشته است. من فکر می‌کنم که اکثر مردم خارج از یوگسلاوی، چه جنبش اتحادیه‌ای و چه جنبش آزادی خواهی و چه جنبش سوسیالیستی و جنبش کارگری، چنین امکانی در اختیار ندارند که دریابند طبقه کارگر آنجا چگونه زندگی می‌کند و چگونه خود را زنده نگه‌میدارد.

من فکر می‌کنم که تنها نبایستی در اینجا صحبت کنیم که در آینده چه باید بکنیم، بلکه بایستی ببینیم که تاکنون در این رابطه چه کرده‌ایم. تعداد زیادی از افرادی که در حال حاضر در این کنفرانس می‌باشند در سال ۱۹۹۱ درست قبل از شروع جنگ بوسنیا بحث‌هایی در کنفرانس همبستگی بین‌المللی کارگری طرح کردن که همین بحث‌ها میان اکثر اتحادیه‌ها و جنبش سوسیالیستی در کشورهای مختلف (مانند آفریقای جنوبی، نیبی و آنگولا) نیز مطرح شد. بحث‌ها نه تنها علیه امپریالیسم بلکه همچنین بر علیه بوروکراتیسم استالینی که جنبش آزادی‌خواهانه را سرکوب کرده بود متمرکز گشت. همگی این بحث‌ها در همه کشورها، ما را قادر ساخت که دریابیم طبقه کارگر در کجای این جنگ قرار گرفته و چه باید بکند. جنبش سوسیالیستی چگونه باید علیه ناسیونالیست‌ها و شوینیست‌ها مبارزه کند. تمام اینها اتفاقی نبرد که اعضای از کمپین همبستگی بین‌المللی کارگری در جنوب انگلستان دست‌اندرکار پی‌ریزی و برنامه‌ریزی برای حمایت و همبستگی با طبقه کارگر یوگسلاوی شدند. مردم یوگسلاوی در این جنگ بیشتر از مردم اوگاندا قتل‌عام شدند. در نتیجه مردم کشورهای اروپایی عکس‌العمل خود را با ارسال میلیون‌ها پوند کمک‌مالی به آنجا نشان دادند. این تنها راهی بود که مردم عادی قادر به حمایت از آنها بودند.

سرمایه‌داری، سازمان ملل و امپریالیست‌ها با تداعی کمک‌های مردمی بمشابه کمک‌های خود، خویش را به عنوان مدافعان حقوق بشر نشان دادند. این کمک‌ها بدور از حمایت و خواسته طبقاتی صورت پذیرفته است. من فکر می‌کنم که باید این وظیفه را انجام دهیم. شاید خیلی‌ها اینجا بدانند که ما اینکار را با کمپین‌های مختلف و با رساندن کمک به کارگران معادن در بوسنیا بخصرص کارگران معدن شهر «توسلا» شروع کردیم. این شهر بوسیله ناسیونالیست‌ها و فاشیست‌ها محاصره شده بود، بطوریکه مردم آنجا از گرسنگی در حال هلاکت بودند. این معدنچیان قلب طبقه کارگر در بوسنیا بودند که من فکر می‌کنم قلب طبقه کارگر یوگسلاوی می‌باشند. البته در این شهر تنها کارگران نبودند که در سرنگونی سرمایه‌داری و سقوط فاشیسم بعد از جنگ جهانی دوم نقش داشتند بلکه کسان دیگری هم بودند که در این سرنگونی سهم داشتند. ساکنین این شهر «توسلا» با هر وسیله‌ای سعی می‌کنند که از حقوق خود دفاع کنند. آنها می‌خواهند اتحاد طبقه کارگر را حفظ کنند. آنها می‌خواهند از حق زندگی مشترک علی‌رغم ملیت‌های گوناگون دفاع کنند و علیه تقسیمات نژادی هستند.

حمله اصلی که در یوگسلاوی شده بر علیه اتحاد طبقه کارگر صورت پذیرفته است، در نتیجه هدف این جنگ علیه طبقه کارگر است. طبقه‌ای که توانست سرمایه‌داری را در این کشور سرنگون کند. هزاران انسان قتل‌عام شدند تا هدف اصلی خود یعنی اتحاد طبقه کارگر را حفظ کنند. مثال شخصی می‌گویم، وقتیکه ما بعنوان نماینده به بوسنیا رفتیم، ۳۰ هزار کارگر صنایع فولاد و ۱۰ هزار کارگر معدن دست به تظاهرات

گزارشی در رابطه با مبارزات کارگران برزیل و دیگر کشورهای آمریکای لاتین تا جایی که فکر می‌کنم برای این کنفرانس مهم است، بدهم. در همین چند سال اخیر امپریالیسم کمپین‌های بزرگی در رابطه با جهانی کردن و بازار آزاد و خصوصی کردن و روش جدید تولید راه انداخته است. این کمپین‌ها بوسیله تمامی دولتهای آمریکای لاتین حمایت شده است. ما فکر می‌کنیم این شیوه جدید تولید، شیوه جدید استثمار طبقه کارگر می‌باشد. این مسئله در تمامی کشورهای آمریکای لاتین و اروپا وجود دارد و شاید در آفریقا نیز وجود داشته باشد. اتحادیه‌ها در مقابل این مسئله سعی می‌کنند که تنها با مذاکرات خود تغییراتی جزئی در این کمپین امپریالیست‌ها صورت دهند و نه اینکه بر علیه کلیت آن به مبارزه برخیزند. در صورتیکه عملاً اکثریت طبقه کارگر بر علیه تمامی این طرح‌ها و نقشه‌ها با خواسته‌های مشخص و عمل مشخص در حال مبارزه است. ما نیاز داریم در این کنفرانس اهمیت چنین مبارزاتی را مد نظر قرار دهیم. برای مثال در ماه مه امسال در بولیوی دو اعتصاب عمومی صورت گرفته که بوسیله اتحادیه‌ها و طبقه کارگر علیه خصوصی کردن و برای دفاع از تأمینات اجتماعی سازمان داده شده بودند. همانند مبارزات اخیر کارگران فرانسه!

در برزیل در سال گذشته ما با ۳ روز اعتصاب کارگران نفت رویرو بودیم. در این رابطه حکومت با تانک‌ها و ارتش خود پالایشگاه نفت را محاصره کرد و رهبر کارگران پالایشگاه نفت را اخراج کرد. این اعتصاب توسط جنبش کارگری برزیل حمایت شد. چون خواسته‌های آن مشخصاً علیه خصوصی کردن‌ها بود. همچنین در برزیل مبارزه مهمی بر علیه کارموقت وجود داشت. همان مسئله‌ای که در حال حاضر کارگران کشتیرانی بندر لیورپول نیز علیه آن مبارزه می‌کنند. در اسپانیا در دو سال گذشته مبارزات قابل توجهی علیه کارموقت صورت گرفته است، یعنی در زمانی که دولت اسپانیا قانون جدیدی مبنی بر قانونی کردن کارموقت را به کارگران تحمیل کرد. من فکر می‌کنم مبارزات کارگران برای حفظ حقوق اجتماعی خود بسیار مهم است، همانند مبارزات کارگران فرانسه و آلمان. طبقه کارگر در مقابل مشکلات مشترکی در کشورهای مختلف قرار گرفته است. من در این قسمت می‌خواهم به دو مسئله اشاره کنم.

۱- یکی اختناق پلیس که رفقای آرژانتین نیز اهمیت این مسئله را بازگو کردند که در این رابطه نیاز دارد یک کمپین بین‌المللی علیه اختناق سازمان داده شود. همچنین دفاع از قطعنامه رفقای کارگر ترکیه در رابطه با اختناق حاکم در آنجا و خبر کشته شدن سه کارگر در تظاهرات اول ماه مه. البته ما نباید تنها به کمپین‌های ضد اختناق بسنده کنیم بلکه بایستی کمپین‌هایی برای قطع اختناق براه اندازیم.

همچنین اخیراً در برزیل طی ماه آوریل، شاهد دستگیری، شکنجه و کشته شدن صد نفر دهقان معترض بوده‌ایم، که اکثراً از رهبران جنبش چپ بوده‌اند. من فکر می‌کنم کمپین علیه اختناق بسیار پراهمیت است. کشورهای جهان سوم و آفریقا نیز با همین مشکل رویرو هستند.

۲- حمایت طبقه کارگر از دهقانان بخصوص در آمریکای لاتین دارای اهمیت بسیاری است. امروزه مسئله زمین در آمریکای لاتین ارتباط تنگاتنگی با مسئله طبقه کارگر دارد. مثلاً در برزیل دهقانان با مشکل خصوصی کردن و سیاست‌های جدید لیبرالی دولت رویرو هستند. جنبش بی‌زمین‌ها تاکنون در برزیل بیش از ۱۰۰ مورد زمین‌ها را به تصاحب درآورده‌اند. در این حرکات ۱۲۰ هزار نفر شرکت داشته‌اند. اگر چه در مقابل این جنبش دهقانی، پلیس و ارتش بطور وحشیانه‌ای به کشتار دسته‌جمعی تعداد زیادی پرداخت ولی دهقانان همچنان به مبارزات خود ادامه می‌دهند.

در کشمیری که در آزمون وابسته به هندوستان بود ۱۰ هزار کارگر وجود داشت، که مورد حمله فاشیست‌ها قرار می‌گرفتند. اتحادیه حکومت آلمان و در آن منطقه خیلی قوی بود. و بورژوازی از حملات فاشیست‌ها که در بیشتر مواقع با تکیه بر مذهب کارشان را پیش می‌بردند، بسیار گرویده بود می‌برد و آنرا نیز تقویت می‌کرد. درست همین برنامه بر روی کشمیریان مقیم پاکستان نیز پیاده می‌شد. در منطقه پاکستانی‌های مقیم کشمیر نه خبری از اتحادیه بود و نه صنایع قابل توجهی وجود داشت. تنها چندین انجمن و مجامعی از معلمین وجود داشت. حکومت سعی می‌کرد که یک چهره زشتی از اتحادیه‌ها پروردن نشان دهد تا آنرا ضعیف کرده و در این رابطه مردم و کارگران را از آنها دور کند. و کارگران نتوانند بوسیله آنها از حقوق خود دفاع کرده و روابط بین‌المللی خود را گسترش دهند. در حال حاضر در پاکستان مسائل جزئی دموکراتیک همانند رأی و انتخاب از گذشته باقی مانده. احزابی نیز وجود دارند که بیشتر اتحادیه‌ها فشار زیادی وارد می‌کنند که بیشتر آنها احزاب راست راست افراطی می‌باشند. در منطقه کشمیر هندوستانی که اتحادیه‌ها نیروی قوی‌تری را تشکیل می‌دهند از دهقانان فقیر دفاع می‌کنند. این دهقانان در واقع کارگر هستند. بطوریکه آنها در منطقه مبارزاتشان را با کارگرانی پیاده می‌کنند.

کارگران می‌بایستی این جنبش را رهبری کنند و گرنه تحت رهبری دیگر افشار اجتماعی قرار خواهد گرفت که هیچ سودی عاید آنان نخواهد شد.

* سخنان نماینده کارگران نیجریه

من سعی می‌کنم بطور مختصر در رابطه با مسائل و مشکلات کارگران نیجریه صحبت‌هایی بکنم. طبقه کارگر نیجریه بخاطر تورم شدید در شرایط بسیار بدی بسر می‌برد. اخراجهای دسته‌جمعی بسیار رایج است در این باره می‌توان از کارگران پست و کارگران خدمات دولتی نام برد. این اخراجها بدون هیچگونه ارائه راه‌حلی همچنان ادامه دارد. کارگران که از کشورهای باصطلاح پیشرفته صنعتی به آنجا می‌آیند آشکارا شدت فشار و اختناق روی طبقه کارگر بوسیله حکومت پی خواهند برد. رهبران اتحادیه در زندان قرار دارند و خیلی از فعالین جنبش کارگر مورد تهدید و شکنجه قرار گرفته‌اند. در سال ۱۹۹۲ که اعتصابات زیاد بوقوع پیوست باعث شد که یکی از رهبران این اعتصابات دستگیر زندانی شود. او در مدت این دو سال حتی حق دیدن پزشک را نداشته و رسد به فامیل و اقوام خود.

بورکراتهای اتحادیه‌ها بطور شدیدی در کنترل دولت قرار دارند. آنها بطور سرسام‌آوری فاسد شده‌اند بطوری که اعتصابات کارگری را وسیله درآمد شخصی خود قرار داده‌اند و با دولت سرگرفتن رشوه برای خواباندن اعتصاب به معامله می‌پردازند. آنها هیچ توجهی به خواسته‌های کارگران ندارند.

طبقه کارگر و فعالین واقعی اتحادیه‌ها دریافته‌اند که می‌بایستی از چنین رهبران بورکراتی فاصله بگیرند و بدنبال پایه‌گذاری و کمپین‌های جنا از این بورکراتها و دولت باشند. برای سازمان‌دهی کارگران این کمپین‌ها اتحادیه‌های مستقل بوجود آمده است.

حکومت استعماری جدید در حال فروپاشی است. تنها کاری که می‌تواند بکند آن است که قدرت خود را بهر شکل که هست حفظ کند حتی این حکومت قادر نیست که یک سیاست مشخص اقتصادی منظمی را به پیش ببرد و یا پیشرفتی در اقتصاد بوجود بیاورد. تنها کاری که این حکومت کرده است از تجارب تمامی متخصصین اختناق و سرکوب جهانی مثل موساد اسرائیل، سی‌آی‌ا، آمریکا، سیستم پلیس مخفی انگلستان استفاده کند و با تکیه بر ارتش و پلیس سعی در نگهداری

وسیع توده‌ای علیه بیکاری زده بودند. سفر ما قبل از فروپاشی و تقسیم کشور یوگسلاوی صورت گرفته بود. تظاهرات آنها بخاطر تورم و ورشکستگی اقتصادی که طی آن دولت ۷۵ درصد صنایع فولاد را تعطیل کرده و باعث بیکاری‌سازی‌های وسیع شده بود. صورت گرفت. بنابراین این جنگ علیه طبقه کارگر صورت گرفته است.

وقتی که نگاهی گذرا به گزارشات گوناگون رفقا و نمایندگان کارگران کشورهای دیگر می‌اندازیم، به عینه به بحران درون اتحادیه‌ها پی می‌بریم. زمانی که در رابطه با جنگ بوسنیا از کارگران معادن این کشور پرسیدیم که آیا تاکنون کمکی از اتحادیه‌ها و سایر معادن کشور شما شده است، آنها پاسخ دادند که حتی تاکنون از طرف یکی از اتحادیه‌ها هم کمکی نرسیده است. کارگران معادن می‌گفتند که ما در زمان جنگ ویتنام به مردم این کشور و نیز بعداً به کارگران آفریقای جنوبی کمکهای قابل توجهی کردیم، ولی در مدت چهار سال جنگ در یوگسلاوی و محاصره و گرسنگی و بمباران هیچ کمکی از طرف سایر اتحادیه‌های کارگری جهان به ما نشده است.

البته ما توانستیم کمکهایی از طرف کارگران انگلستان، اسپانیا و فرانسه برای آنها جمع‌آوری کنیم، که این کمکها بدون همکاری جوانانی که خارج از اتحادیه‌ها بودند امکان‌پذیر نبود. این نسل جوان بشکل طبقاتی عمل کرد.

در هفته پیش نماینده معادن بوسنیا به انگلستان آمد و همبستگی خود را با کارگران اعتصابی لیورپول اعلام کرد. وقتی که جنبش کارگری یوگسلاوی برای سرنگونی سرمایه‌داری شکل گرفت با حمایت دیگر کارگران جهان توانستند این کار را بسرانجام برسانند، در نتیجه در حال حاضر نیز بدون حمایت و همبستگی بین‌المللی قادر به بیرون آمدن از مشکلات فعلی نمی‌باشند.

بنابراین من فکر می‌کنم بزرگترین سوال این است که چطور جنبش کارگری یوگسلاوی می‌تواند خود را با جنبش جهانی کارگری مرتبط کند؟ من فکر می‌کنم که طبقه کارگر باید مستولانه به این اتحاد جهانی پاسخ گوید. کارگران کشتیرانی لیورپول در عمل این اتحاد جهانی را بوجود آورده‌اند.

ما پیامی برای کارگران معادن بوسنیا و اتحادیه‌های بوسنیا ارسال داشته‌ایم که بدین شرح است:

- ۱- ما از اتحادیه‌ای که از تمام بخش‌های مختلف یوگسلاوی بدون در نظر گرفتن نژاد و قومیت بوجود آید دفاع می‌کنیم.
- ۲- کمپین همبستگی بین‌المللی کارگری علیه حکومتی است که در مقابل منافع کارگران بوده و نیز علیه ملی‌گرایی و نژاد پرستی است. ۳- ما از اتحاد تمام کارگران یوگسلاوی بدون در نظر گرفتن ملیت، رنگ، نژاد و مذهب، حمایت می‌کنیم.

* سخنان نماینده کارگران کشمیر

تاریخ اتحادیه‌ها در کشمیر از سال ۱۹۲۴ با مبارزه علیه حکومت آلمان شروع شد. اتحادیه‌ها بیشتر بوسیله احزاب سیاسی آلمان که با چین یا مسکو ارتباط داشتند بوجود آمده بودند. این احزاب تنها سیاستهای چین و مسکو را دنبال می‌کردند تا تکیه روی طبقه کارگر کشمیر داشته باشند.

بعد از فروپاشی شوروی طبقه کارگر کشمیر بیش از پیش گیج و مبهوت شد. در این مقطع حتی نیروهای فاشیست شروع به تقویت خود نمودند. فاشیست‌ها بوسیله افغانستان حمایت می‌شدند و اولین هدف خود را مبارزه و از بین بردن اتحادیه‌ها گذاشته بودند، چرا که اتحادیه‌ها در آلمان باعث وحدت کارگران علی‌رغم رنگ پوست، نژاد و مذهب مختلف شده بودند.

وزار کارگ
تحدایه د
تاشیست
ند، بسیا
به بر روز
های مه
اشت. تنه
کی اطلاعیه ای بدست کسی می دهید، خیلی ها هستند که با بی رغبتی
ها را دریافت می کنند و حتی بعضی از آنها از گرفتن اطلاعیه امتناع
ن نتوانند؛ در صورتیکه وقتی این اطلاعیه ها به نیجریه برده شود مردم
ها را با شوق و اشتیاق زیاد از دست شما می قایند. آنها تشنه دریافت
فلاغات و اخبار می باشند. آماده اند که کاری بکنند. برای همین است که
ن بیشتر اوقات با رفقای خود در اینجا بحث دارم که این همه نظرات و
نوریا را بگذارید کنار و بیانیید کاری بکنیم. همیشه ما با عقاید و
ظرات خیلی جالبی روبرو هستیم ولی می بایستی آنها را در عمل پیاده
نیم. زمان بسیاری برای این تنوریا صرف می کنیم و بیشتر صحبت هایمان
دهقانان
ی پایه است. بارها من به رفقایم گفته ام که اگر به اندازه امپریالیسم در
کارگران
یاد کردن نظراتمان جدی بودیم و آنرا در عمل پیاده می کردیم سالها
یش انقلاب کرده بودیم. ما هنوز فکر می کنیم انقلاب و کارهای انقلابی
مثل کارموقت می ماند و یا معامله کردن با دولت است. من فکر
می کنم ما می بایستی انقلاب را بهمان حدی که امپریالیسم برنامه هایش
را دنبال می کند جدی بگیریم.

در آخر صحبت هایم، مسئله ای در رابطه با رهبری بگویم. این تجربه
نقطه مختص نیجریه نیست. این تجربیات به ما یاد می دهد که ما
نی بایستی خود را وابسته به رهبران رسمی و اداری بکنیم. بعضی از ما
به رهبران بورکرات احترام می گذاریم، در صورتیکه می بایستی به آنها
هیچگونه میدانی ندهیم. یک انقلابی می بایستی خود خط سیاسی ارائه
دهد، به همان شکل که رفیقمان از ایران بخوبی، به خطر پارلمانتاریسم و
مذهب اشاره کرده، خطوط و نقطه نظرات سیاسی خود را بروشنی مطرح
کرد. خلاصه کنم بهر حال مبارزات در نیجریه ادامه دارد و کسانی هستند
که آنها را سازمان دهی می کنند. این مبارزات بطور واقعی روی زمین
جریان دارد. میبایستی هرچه بیشتر آنرا جهانی و از حمایت بین المللی
برخوردار کرد و مبارزه را به پیش برد.

* گزارش نماینده کارگران صریستان یوگسلاوی

من مدارکی می توانم ارائه بدهم که ثابت کند که بوروکراسی حاکم
سیاست هایی اتخاذ کرد که عمداً جنگ را در یوگسلاوی بوجود بیاورد و
بوسیله آن جلوی اعتراضات طبقه کارگر را بگیرد.
من در اینجا از صرب ها صحبت می کنم باید تأیید کرد که نتایج
اسفبار جنگ برای طبقه کارگر بسیار گران است. در دو سه سال قبل از
جنگ بسختی ۱۰ درصد کار تولیدی انجام می گرفت. ۱۶۰۰۰۰۰۰ بیکار
وجود داشت. قبلاً ۷۰۰ هزار کارگر در کارخانه اتومبیل سازی کار
می کردند که سالانه ۲۴۰۰۰۰ ماشین تولید میکرد. این کارخانه بسته شد.
بازار یوگسلاوی فرو پاشیده شد و هیچگونه شانس برای بهبودی آن وجود
نداشت و همه آنرا میدانستند. تعداد طبقه کارگر کمتر از حداقل خودش
در سالهای گذشته شد. ۸۰ درصد از مردم زیر خط فقر زندگی می کردند،
طبقه کارگر غذایی برای بچه های خود نداشت. در ماه های قبل از جنگ
قیمت مصرف برق خانواده ها از حقوقشان بالاتر رفته بود. در چهار، پنج
سال آخر سطح زندگی مردم ۴ تا ۵ برابر پائین تر آمده بود. مردم از خود
می پرسیدند که چه اتفاقی افتاده است. بیشتر اهالی بوسنی به شکلی در
جرائم قاطعی شده بودند. آگاهی طبقاتی ضعیف شده، مردم به نا آگاهی
کشیده می شدند. و هیچگونه راه حل رادیکال و چپی وجود نداشت. نه حزب

نه نشانی از رشد طبقه کارگر و نه سازمان سوسیالیستی درست حسابی ای.
بورکراسی در قدرت هیچگونه پایه سوسیالیستی نداشته و تمام قدرت را
قبضه کرده بود، یعنی مطبوعات، پلیس، ارتش، شهرداری ها. یک پارلمان
واقعی هم وجود نداشت. این حکومت استالینیستی هر گونه آزادی سیاسی
را سرکوب کرده، مردم پی برده بودند که دمکراسی پارلمانی هم در واقع
هیچ چیزی برایشان عاید نکرده است، هیچ چیزی را عوض نکرده.
۶۰ درصد افراد اصلاً به کسی رأی نخواهند داد. کدام سیاستمدار در این
شرایط مردمی است؟ ۶۰ درصد می گویند هیچکدام! فقط ۲۵ درصد
می گویند میلوسویچ، ۱۵ درصد باقی مانده را خرده بورژواها و بورژواها
تشکیل می دهند.

فعالین اتحادیه ها و انقلابیون می بایستی توجه مخصوص خودشان را
به آمارهای یاد شده بکنند و درجه بی تفاوتی و روحیه مردم نسبت به
پارلمان و دولت را در نظر بگیرند. بعد ۳-۴ سال هیچ چیزی در رژیم
عوض نشده، روحیه مردم ۱۸۰ درجه عوض شده، درست برعکس سالهای
۱۹۹۰-۱۹۸۹ که میلوسویچ بطور وسیعی بوسیله هواداران ملی خودش
حمایت می شد.

آنچیزی که اکنون در رسانه ها دیده می شود آماده کردن مردم برای
گرسنگی خانواده هاست. آنها در باره اتفاق مهمی که قرار است در این
پائین بیافتد صحبت می کنند، در باره انتخابات پائیز!
در چنین شرایطی من کاملاً با رفقا موافقم که دیگر نمی توان به شکل
اتحادیه های سابق کارها را به پیش برد. توده وسیعی از کارگران در
یوگسلاوی هنوز در اتحادیه های قدیمی که اخیراً اسم خود را عوض کرده
و خود را اتحادیه های مستقل می خوانند عضو هستند. کارگران آگاهانه
در آنجا جای ندارند فقط آنها بطور اداری و تشریفاتی در اکثر کارخانه ها
عضو این اتحادیه باقی مانده اند. بر این اتحادیه بوروکراسی ای حاکم است
که میلوسویچ بر سر آنها در پست های کلیدی حکم فرمایی می کند. در
واقع طبقه کارگر فراخوان هیچگونه اعتصابی را از طریق این اتحادیه نباید
انتظار داشته باشد.

از طرفی در واقع اتحادیه مستقلی وجود دارد که بوسیله فعالین مبارز
طبقه کارگر ساخته شده. آنها تحت فشارهای گوناگون و تهدیدات زیادی
قرار دارند. آنها اعتصاب را سازمان دهی می کنند. سازمان دهندگان و
فعالین این اعتصابات اغلب بوسیله مدیران کارخانجات که همگی از
سرپرندگان میلوسویچ هستند شناسایی و فوری اخراج خواهند شد.
میلوسویچ بوسیله شعبات حزب فاشیستی خود به مدیران خود اجازه تام
داده تا هرکس را که بخواهند اخراج کنند.

این اتحادیه مستقل خودش را در موقعیت بسیار سخت متضادی
می بیند. چیزهای مختلفی در آن قاطعی شده است. اولین اتحادیه مستقل
از روزنامه نگاران ناراضی که از تلویزیون اخراج شده بودند و مخالف
سیاست های دولت میلوسویچ بودند تشکیل شد. مجموعاً هزار روزنامه نگار
و خبرنگار تلویزیون حاضر نشده بودند که تابع سیاست های دولت
میلوسویچ قرار بگیرند.

این اتحادیه تحت تاثیر اتحادیه های آمریکایی قرار گرفته و
سیاست های لیبرالی را دنبال می کند و اعضای از آن چنان تعلیماتی
دیده اند که سیاست های خصوصی کردن صنایع را به پیش ببرند. این
اتحادیه علیه جنگ بوسنیا و علیه صرب های ملی گرا موضع گرفته است.
در تشکیل اتحادیه های مستقل مهندسی و صنعت فولاد بسیار فعال بوده
است. اتحادیه روزنامه نگاران از سیاست های سرمایه کوچک و سرمایه داری
حمایت می کند ولی اتحادیه مهندسی که بزرگترین این اتحادیه ها را
تشکیل میدهد مشکل بزرگی با آنها دارند. مشکل بزرگ این اتحادیه ها
نیود حزب می باشد. سرمایه داران مخالف دولت سعی می کنند که بر
سیاست های خصوصی کردن ها هر چه بیشتر پا بگذارند که البته
میلوسویچ سعی می کند که این حرکت را کند کند. بقیه در صفحه ۱۷

شکلان
م شدید
چ است
برد.
کارگرانی
کارا به
برد.
کارگری
زیادی
نگیر و
شته چه
آنها
وسيله
واباندن
کارگران
تی از
ی جدا
بین ها
ی که
کند.
نظمی
ی که
برکوب
مخفی
هداری

گوشه‌هایی از فعالیت‌های انجمن

تجمع اعتراضی در مقابل سفارت ترکیه

روز دوشنبه ۱ ژوئیه، آکسیون ایستاده‌ای روبروی سفارت ترکیه برگزار شد. این آکسیون توسط کمیته همبستگی کردها و ترک‌ها (دایمر) در اعتراض به حمله دولت ترکیه به دفا تر احزاب و نیروهای مخالف، بستن و غیر قانونی خواندن پاره‌ای از آنها، و نیز تهاجم وحشیانه پلیس که منجر به قتل ۳ تن از فعالین احزاب و زخمی شدن ۲۰۰ نفر و دستگیری ۱۰۰ نفر از هواداران آنها گشت فراخوان داده شده بود. فعالین انجمن به حمایت از این فراخوان در آن شرکت نمودند.

شرکت عضو انجمن در کنفرانس یکی از احزاب چپ

در روزهای ۶ و ۷ ژوئیه حزب کارگران انقلابی انگلستان کنفرانسی در لندن برگزار نمود. یکی از اعضای انجمن در این کنفرانس شرکت نمود و نظر خود را پیرامون جنبش کارگری و نقاط ضعف سازمان‌های سیاسی به ویژه در انگلستان بدین شرح مطرح نمود:

۱- اکثر سازمان‌های موجود نخست منافع گروهی خود را در نظر می‌گیرند و منافع طبقه کارگر را ثانوی حساب می‌کنند. اکثراً به جای این که انرژی خود را در عمل به منظور حمایت از جنبش کارگری، اعتصابات و آکسیون‌های کارگری بگذارند، فقط در حرف، اطلاعیه روزنامه‌ها و یا جلسات خود از آن‌ها دفاع می‌کنند.

۲- شیوه‌های رفورمیستی بر جنبش کارگری و بر سیاست‌های سازمان‌های سیاسی انگلستان غالب گشته، تا جایی که تنها بخش کوچکی از جنبش کارگری و سازمان‌های سیاسی در مبارزات خود قدرت سیاسی و حاکمیت سرمایه را زیر سؤال می‌برند. این بخش را باید تقویت کرد. اکثر سازمان‌ها سیاست مشخصی برای پیشبرد اهداف سوسیالیستی در پروسه مبارزه جاری خود ندارند.

۳- هنوز اکثر سازمان‌های سیاسی انگلستان در انتخابات به حزب دست راستی «کارگر» که به طور علنی از سرمایه‌داری دفاع می‌کند، رأی می‌دهند و به توهم کارگران دامن می‌زنند.

تظاهرات به حمایت از کارگران بیمارستان هلینگدون

۱۳ ژوئن تظاهراتی به حمایت از کارگران نظامی اعتصابی بیمارستان هلینگدون برگزار شد که در آن حدود ۲۰۰۰ تن شرکت نمودند. اعضای انجمن نیز در این تظاهرات فعالانه شرکت کردند.

کنفرانس سراسری کارگران اعتصابی لیورپول

در روز ۲۰ ژوئیه کارگران اعتصابی لیورپول کنفرانس سراسری‌ای در لیورپول تشکیل دادند که از هر تشکیل سیاسی حمایت کننده از اعتصاب یک نفر، از هر اتحادیه کارگری یک نفر، و از هر کمیته حمایتی دو نفر

تشکیل کمیته دفاع از کارگران اعتصابی بندر لیورپول

کمیته‌ای با هدف دفاع از کارگران اعتصابی بندر لیورپول تشکیل شده که انجمن نیز در تشکیل آن شرکت داشته‌است. این کمیته با سازماندهی تظاهرات، برپایی آکسیون‌های حمایتی و اعتراضی و جمع‌آوری کمک مالی از کارگران اعتصابی پشتیبانی می‌کند. کمیته فوق‌بظور مرتب یک روز در هفته جلسه تدارکاتی دارد و یک روز به اشکال مختلف یا با برپایی آکسیون یا جمع‌آوری کمک مالی و یا... در حمایت از کارگران اعتصابی عمل می‌کند. آکسیون‌های اعتراضی معمولاً در مقابل شرکت‌هایی که کارگر موقت به منظور اعزام آنها به جای کارگران اعتصابی، استخدام می‌کنند، صورت می‌گیرد.

واحد لندن انجمن خرسند است که جای واقعی خود را در حمایت از هم‌طبقه‌ای‌های خود بدست آورده و شانه به شانه فعالین کمیته مذکور در کلیه فعالیت‌های آن مصممانه شرکت می‌کند. با وجود اینکه ما بارها جریان‌ات چپ‌ایرانی و انگلیسی را دعوت به شرکت در حرکات کارگری کرده‌ایم، ولی متأسفانه اینان که اکثراً خود را طرفدار طبقه کارگر قلمداد می‌کنند، بعد از یک سال اعتصابات کارگری، اعتصاباتی که در پیج کوششان به وقوع پیوسته‌اند، هنوز هم به ضرورت شرکت در مبارزات کارگری و حمایت واقعی از آن‌ها پی نبرده‌اند. واقعا این موضوع قابل تأسف است.

تظاهرات حمایتی از کارگران کشتیرانی

در روز شنبه ۲۲ ژوئن در شهر لیورپول تظاهراتی به حمایت از کارگران اعتصابی کشتیرانی برگزار شد که فعالین انجمن نیز در آن شرکت داشتند. در این حرکت تعدادی از اعضای حزب کمونیست کارگری نیز شرکت نموده بودند. شرکت وسیع اعضای کمیته ترک‌ها و کردها (دایمر) با طبل و ذهل و سازنقاره و اجرای رقص دسته‌جمعی، شور و حالی به تظاهرات داده بود.

در خاتمه تظاهرات، نمایندگان کارگران چه از انگلستان و چه از کشورهای مختلف دیگر از قبیل آمریکا، اسپانیا و نیوزلند سخنرانی‌هایی ایراد نمودند. آنها در صحبت‌های خود دشمن طبقاتی کارگران یعنی سرمایه‌داران و نظام سرمایه‌داری را بعنوان بانی تمامی نابسامانی‌های اجتماعی مورد حمله قرار دادند.

آکسیون اعتراضی در مقابل سفارت پاکستان

روز یکشنبه ۳۰ ژوئن، در مقابل سفارت پاکستان در لندن آکسیونی توسط تعدادی از مخالفین دولت پاکستان و با همکاری تعدادی از اهالی کشمیر برگزار شد. کشمیری‌های شرکت کننده در این آکسیون از مخالفین دخالت دولت پاکستان در کشمیر و طرفدار استقلال این ناحیه هستند. آنها در عین حال نسبت به سیاست‌های ضدانسانی و ضدکارگری در کشمیر نیز معترضند. نماینده انجمن به منظور حمایت از برگزارکنندگان آکسیون در آن شرکت نمود.

آکسیون اعتراضی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی

در تاریخ ۱۸ ژوئن، یک روز قبل از آغاز بازیهای المپیک تابستانی، آکسیون اعتراضی‌ای بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و سیاست‌های زن‌ستیز آن در هانوفر آلمان و با شرکت بیش از ۱۰۰ نفر برگزار گردید. شرکت جمهوری اسلامی در بازیهای المپیک و محروم شدن زنان ایرانی از شرکت در این بازی‌ها به دلیل وجود قوانین ضد زن اسلامی، انگیزه سازمان‌دهی این حرکت اعتراضی بود.

طبق منشور المپیک، هیچکس نمی‌بایست به دلیل عقیده، مذهب، نژاد و یا جنسیتش از شرکت در بازیهای المپیک منع گردد. علی‌رغم این، زنان ایرانی صرفاً به خاطر زن بودنشان، حق شرکت در رشته‌های ورزشی مختلف این بازی‌ها (به غیر از تیراندازی) را ندارند.

جالب اینجاست که این مسئله نه تنها برای فدراسیون المپیک بی تفاوت بوده، بلکه رژیمی مانند جمهوری اسلامی نیز، بدون هیچ‌گونه انتقادی از طرف این فدراسیون، براهتی ورزشکاران مرد را به بازی‌ها فرستاده، به طور رسمی در آنجا حضور می‌یابد.

از همین‌رو در آکسیون از یک‌طرف تلاش شد علاوه بر محکوم کردن شرکت جمهوری اسلامی در بازیهای المپیک، مسئله تبعیض نسبت به زنان ایرانی در عرصه ورزش مطرح گردد. از طرف دیگر برگزار کنندگان این آکسیون توجه افکار عمومی را با پلاکاردها و شعارهایشان نسبت به قوانین ضد زن اسلامی در ایران جلب نمودند. خبر و گزارش کوتاهی از این حرکت، در بخش منطقه‌ای تلویزیون آر-تی-ال آلمان پخش گردید.

دعوت کنندگان به آکسیون، جمعی از زنان ایرانی در تبعید، بخشی از تشکل همایش زنان در هانوفر، تشکل مستقل زنان ایرانی در هانوفر، انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی واحد هانوفر و کانون فرهنگی سیاسی ایرانیان در هانوفر بودند.

نکته مهم و جالب اینجا بود که تمامی مراحل تدارکات و سازماندهی این آکسیون از طریق خود زنان به پیش برده شد.

اجتماعات اعتراضی اتحادیه‌ها و فعالیت‌های انجمن

چندی پیش دولت آلمان لایحه‌ای به مجلس ارائه داد که شامل موارد زیادی از کسر حقوق اجتماعی (کاهش دستمزد در مواقع بیماری، بالا بردن سن بازنشستگی، کاهش حقوق بیکاری و ...) بود. در اعتراض به این لایحه فدراسیون سراسری اتحادیه‌های آلمان (د-گ-ب) در تاریخ ۷ سپتامبر اجتماعاتی را در چند شهر آلمان ترتیب داد. در مجموع این اجتماعات که در شهرهای برلین، هامبورگ، لایپزیک، دورتموند، لودویگزهافن و اشتوتگارت برگزار شدند، حدود ۲۵۰ هزار تن شرکت کردند. در هانوفر نیز چند قطار توسط اتحادیه‌ها برای شرکت در میتینگ هامبورگ سازمان‌دهی شد.

واحد هانوفر انجمن از مدتی پیش از ۷ سپتامبر ایرانیان را دعوت به شرکت در تظاهرات نمود. بدین منظور اطلاعیه‌ای به فارسی نوشته و در مراکز تجمع ایرانیان نصب گردید. همینطور رفقای انجمن از طریق روابطشان با اتحادیه‌ها برای علاقه‌مندان بیبط قطار تهیه کردند. بدین ترتیب جمعی از اعضای انجمن و سایر علاقه‌مندان مقیم هانوفر در اجتماع هامبورگ شرکت نمودند. به علاوه یکی از رفقای انجمن که در گروه بیکاران اتحادیه خدمات دولتی، عبور و مرور و حمل و نقل (ÖTV) فعالیت می‌کند، به همراه چند تن از اعضای آن گروه اعلامیه‌هایی به زبان آلمانی در مورد مشکلات خاص بیکاران و اقشار کم درآمد و دعوت به شرکت در اجتماعات اعتراضی پخش کرد.

همچنین تراکتی به زبان آلمانی تهیه شد و در اجتماع هامبورگ پخش

دعوت شده بودند. در این کنفرانس نماینده انجمن نیز شرکت نمود و پیشنهادات زیر را ارائه داد:

الف- ضرورت همستگی و پیوند مبارزه و اعتصاب کارگران کشتیرانی لیورپول با دیگر اعتصابات در انگلستان؛ مانند اعتصاب کارگران راه‌آهن، پست، بیمارستان و ...

ب- اهمیت و تلاش برای آوردن فعالیت‌های کلیه سازمان‌های سیاسی و دیگر تشکلات کارگری زیر یک چتر (سقف)؛ بجای فعالیت‌های حمایتی جداگانه آنها از این اعتصاب، شایسته است که همگی زیر چتر کمیته‌های حمایتی موجود کار کنند. اشاره به سازمان‌های سیاسی بزرگ اپوزیسیون موجود انگلیسی که تاکنون بخاطر منافع گروهی خود حاضر به کار مشترک در این کمیته نشده‌اند. و اشاره به اینکه تنها سرمایه‌دارست که از جدایی‌های غیر ضروری سود برده و سعی می‌کند که به هر شکل به این جدایی‌ها دامن بزند.

پ- فراخوان اعتصاب عمومی بوسیله کمیته مشترکی از فعالین کارگران مختلف اعتصابات اخیر، مانند کمیته اعتصاب کارگران راه‌آهن، پست، بیمارستان و کارگران دیگر صنایع.

عدم اتلاف وقت و دل‌بستن بر اینکه رهبران اتحادیه‌ها که تاکنون در تجربه جلوی بیشتر اعتصابات و گسترش آنها گرفته‌اند، فراخوان اعتصاب عمومی بدهند. برعکس باید روی خودمان یعنی روی کارگران حساب کنیم.

کمیته اعتصاب کارگران لیورپول نیز قطعنامه‌ای به شرح زیر در این کنفرانس ارائه داد که مورد تأیید اکثریت قریب به اتفاق حاضرین قرار گرفت.

۱- بندر لیورپول به وسیله بایکوت بین‌المللی بسته شده است.

* ما پیشنهاد یک یا چند روز کمپین تبلیغاتی بوسیله تیم‌های مختلف برای پخش اطلاعیه و پوستر و جمع‌آوری امضای حمایتی در اطراف شهر را برای ادارات مختلف کاریابی و باشگاه‌ها و ... می‌کنیم.

* تشکر از حمایت‌های بی‌دریغ شهروندان لیورپول از کارگران اخراجی کشتیرانی در تمام طول ده ماه گذشته.

* تأکید و آشکار کردن این موضوع که بسته شدن این بندر و بیکار شدن کارگران همگی ریشه در سرمایه دارد.

* از کلیه سازمان‌ها و گروه‌های حمایت‌کننده اعتصاب، اتحادیه‌های مختلف و بخش‌های مختلف اتحادیه‌ها خواسته می‌شود که همراه کارگران کشتیرانی و خانواده‌هایشان؛ یک یا چند روز در فعالیت‌های اعتراضی زیر نظر کمیته منتخب کارگران اعتصابی شرکت کنند.

۲- بسته شدن بندر لیورپول بطور اتوماتیک، برگشتن کارگران اخراجی به کار و خواسته‌هایشان را تضمین نخواهد کرد.

* انجمن استفاده کنندگان از بندر لیورپول و شرکت‌های مرسر داکر و هاریور (کارفرماهایی که ۵۰۰ کارگر اعتصابی را اخراج کرده‌اند) با طرح ریزی نقشه‌ای، قصد باز کردن دوباره بندر و شکستن مقاومت کارگران را دارند.

* هر هفته ۳۵ هزار پوند لازم است که کارگران اعتصابی، به مبارزه برای رسیدن به خواسته‌هایشان و بازپس گرفتن کار خود، ادامه بدهند. اگر چه کمک‌های مالی جمع‌آوری شده از طرف تشکلات حامی ما مفید و ضروری می‌باشد، ولی آنچه که می‌تواند بطور مؤثر حلال مشکلات مالی ما شود، یک کمک منظم هفتگی توسط کلیه کارگران سراسر کشور می‌باشد.

* این کنفرانس می‌بایستی یک کمپین سراسری ایجاد کند که هر کارگری هفته‌ای یک پوند بطور مستقیم به حساب کمیته انتخابی کارگران اعتصابی لیورپول واریز کند. هر مبلغی که اضافه بماند (در خاتمه این مبارزه) برای کمک‌های مالی مبارزات کارگران در آینده اختصاص می‌یابد.

* در آخر این قطعنامه بندی نیز جهت شرکت فعال در کنفرانس سالانه اتحادیه‌ها در نهم سپتامبر گنجانده شده بود. این قطعنامه با چنین هدفی تنظیم شده بود که در کنفرانس مذکور مسائل و مشکلات کارگران اعتصابی مطرح شده و اتحادیه‌ها را وادار به عکس‌العمل و حمایت‌های لازم گردند.

گردید. ترجمه تراکت مذکور به شرح زیر است:

همکاران عزیز!

حکومت آلمان از یکسو در ارتباط با کارگران، بیکاران و بی‌نویان صرفه جویی می‌کند و از سوی دیگر سخاوتمندانه از میزان سهم مالیات ثروتمندان می‌کاهد. کاهش مالیاتی که ما باید تاوان آن را بپردازیم!

ما کارگران ایرانی که در آلمان زندگی می‌کنیم نیز همانقدر از این اقدامات دولت صدمه می‌بینیم که همکاران آلمانی‌مان. باید قاطعانه هر تلاشی را برای تفرقه انداختن مابین کارگران آلمانی و همکاران خارجی‌شان رد کرد. به همین جهت بدیهیست که ما در اجتماع امروز در اعتراض به نقشه‌های دولت شرکت می‌کنیم. با این وجود معتقدیم که چنین اجتماعاتی کافی نیستند.

اکنون وقت آن است که به اشکال پیگیرتری از مبارزه - همچون اعتصاب- اندیشید.

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی
۱۹۹۶/۹/۷

اعتصاب کارگران نقلیه و پُست

یکی از فعالیت‌های مؤثر واحد انگلستان انجمن در این فصل شرکت فعال در اعتصابات سراسری کارگران قطارهای زیرزمینی و کارگران نامه‌رسان اداره پُست بود.

نتیجه مبارزات کارگران راه‌آهن زیرزمینی در سال گذشته منجر به آن شد که مدیران آنها قول بدهند که ساعت کارهفتگی کارگران را امسال به ۳۷ ساعت در هفته و در سال آینده به ۳۵ ساعت در هفته تقلیل بدهند. ولی امسال مدیران قطارهای زیرزمینی زیر قول خود زنده و در نتیجه کارگران اعتصاب خود را (یک روز در هفته) شروع کردند.

شرایط کاری کارگران نامه‌رسان پُست انگلستان از اکثر کشورهای اروپایی بدتر می‌باشد. آنها از ساعت کار بیشتر، تعطیلات کمتر، و پایه حقوق پائین‌تر برخوردارند. کارگران برای دستیابی به خواسته‌هایشان هر هفته یک روز را به اعتصاب اختصاص داده‌اند. و تاکنون هشتمین هفته اعتصاب را پشت سر گذاشته‌اند. خواسته‌های آنها بشرح زیر است:

۱- پنج روز کار در هفته ۲- ۳۵ ساعت کار در هفته ۳- از بین بردن سیستم کار تیمی (در این سیستم، اگر کارگری مریض شود دیگر اعضای تیم ناچارند فشار اضافی کار را تحمل کنند، در ضمن به هر مقدار که مدیران اراده کنند می‌توانند مقدار کار را اضافه کرده و در هر شرایطی این تیم مجبور است که آنرا انجام دهد).

در این رابطه واحد انجمن در لندن حمایت کامل و فوری خود را از کارگران اعتصابی پُست و راه‌آهن در دستور کار قرار داد و تراکت‌هایی به زبان انگلیسی تهیه و آنها را در روزهای مختلف رویروی اکثر ایستگاه‌های مهم راه‌آهن لندن توزیع نمود.

در رابطه با اعتصاب کارگران پُست، فعالین انجمن در تجمع کارگران اعتصابی شرکت کرده و حمایت خود را از اعتصاب اعلام نمودند. هم‌چنین روز جمعه ۳۰ اوت تظاهراتی توسط کارگران نامه‌رسان سازمان داده شده بود، که انجمن در آن شرکت نمود و اطلاعیه‌های حمایتی خود را در میان تظاهر کنندگان توزیع نمود.

بدون اغراق باید گفت که واحد انجمن تنها نیرویی بود که با پخش اطلاعیه حمایتی از کارگران اعتصابی، بموقع حمایت خود را نشان داد و برای ما جای بسیار تأسف دارد که در این روزهای حساس اعتصاب، هیچ نیروی ایرانی و غیر ایرانی مدعی طرفداری از طبقه کارگر را در کنارمان نداشتیم. بگذارید این حقیقت تلخ را همگان بدانند!

نمونه‌هایی از تراکت‌های انجمن

به اعتصاب بپیوند!

رأی نمایندگان مجلس:

۲۶ درصد اضافه حقوق برای خود: آری
۳۵ ساعت کار برای کارگران: خیر

همبستگی راه پیش روی است

خواسته‌ها

بر علیه کار موقت

علیه ۲۶ درصد حذف دستمزد و مزایا

برای ۳۵ ساعت کار در هفته

برای ۳۵ ساعت کار در هفته و علیه سیستم کار تیمی

از افراد زیر حمایت کن!

کارگران اعتصابی کشتیرانی

کارگران اعتصابی بیمارستان هلینگدون

کارگران اعتصابی قطارهای زیرزمینی

کارگران اعتصابی پُست

* یک و نیم میلیون پوند سود روزانه اداره پُست است

* سی و هشت میلیون پوند سود سالانه شرکت‌های مرسی داکز و هاریور است.

هرگز اعتصاب را نشکن!

رأی نمایندگان

افزایش درآمد اعضای مجلس و دولت

نمایندگان مجلس از	۳۴۰۰۰ پوند	به	۴۳۰۰۰ پوند
نخست وزیر از	۸۴۰۰۰ پوند	به	۱۴۳۰۰۰ پوند
وزرای کابینه از	۷۰۰۰۰ پوند	به	۱۰۳۰۰۰ پوند
خانم سخنگوی مجلس از	۷۱۰۰۰ پوند	به	۱۰۳۰۰۰ پوند
نمایندگان مجلس لردها از	۷۰۰۰۰ پوند	به	۹۸۰۰۰ پوند
وزیر دولت از	۵۶۰۰۰ پوند	به	۷۴۰۰۰ پوند

از ژونیه: ۲۶ درصد افزایش حقوق برای خودشان: آری

۳ درصد برای کارگران: خیر

نامه های رسیده

در فاصله انتشار نشریه شماره ۴۴ تاکنون ۸۳ نامه به ما رسیده که به تمامی آن ها جواب داده شده است، در زیر بریده هایی از چند نامه را انتخاب کرده ایم که از نظرتان خواهد گذشت.

استقلال سیاسی خود! مقاله سنگین و وزین رفیق ناصر سعیدی سخت به دلم نشست و در مجموع جمع بندی هوشمندانه ای از ظرفیت و قابلیت طبقه کارگر ایران ارائه داده بود. اطلاعیه زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر در خور تحسین بود.

امضا، محفوظ ژاپن ۹۶/۸/۱۰

کوله بار مزدوری را در کارگاه های کوچک بر گرده ام بستند

هر طبقه ای با امکانات خود مبارزه می کند

امروز بعد از ظهر که از سر کار آمدم ۰۰۰ نامه شما را به دستم داد. در حالی که خیلی خسته بودم با ولع تمام نامه شما را خواندم. از تمامی محبت هایتان ممنونم. دست شما درد نکند. خیلی خوشحال شدم و واقعاً خستگی از تنم رفت. در مورد نشریات سایر طبقات و امکانات آنها مطالبی نوشته بودید که مایلم چند مورد را که به نظرم می رسد عرض کنم:

۱- هر طبقه ای با امکانات خود مبارزه می کند و اهداف خاصی را با شرایط خاص خود مشخص کرده و به سوی آن گام برمی دارد. کارگران، این موجوداتی که تنها امکان زندگی شان کارشان است و اگر هم چیزی بماند که به زخم های کهنه اهل و عیال خود می زنند طبیعتاً باید امکانات خود را خلق کنند که حتی در این حال هم فکر نمی کنم به قیاس هایی با امثال کارتل های خبری و نشریات رنگارنگ شان دست یابند.

۲- من همیشه فکر کرده ام که اگر نشریه کارگری ای نتواند به امر سازمان یابی کارگران خدمت کند، بهتر است چاپ نشود. طبیعتاً خود نشریه نمی تواند کارگران را ارگانیک کند. تنها می تواند آن ها را مورد خطاب قرار دهد. پس دستی که این نشریه را به کارگری می دهد است که می تواند و یا باید این امر را تحقق بخشد... افرادی که پشتیبان نشریه هستند مهمترین نقش را دارند نه تیراژ و نه ابعاد و یا انبوه تحت پوششان!

۳- در آخر، اصولاً ما کارگران، آن قدر مسئله ریز و درشت طبقه خودمان را داریم که اگر واقعاً اهلش باشیم و توانایی آن را داشته باشیم که باید به آن بپردازیم و در تعمیق و تحقق آن ها بکوشیم که حالا حالاها پرداختن به هر ابعاد دیگری، اگر نه فرار از مسائل، که شاید نوعی باز هم قیاس با دیگر نشریات حتی انقلابی !! است.

از آنجا که به هر جمع کارگری علاقه داشته و داریم چنین نکاتی را لازم دیدم بنویسم.

م- اطریش ۹۶/۷/۴

با گرمترین سلام ها به هم طبقه ای هایم که در تشکلی مستقل، به نام انجمن کارگران پناهنده... بر علیه صاحبان سرمایه می رزمند. خوشحالم از این که با یاران خود آشنا می شوم، یارانی که در تاریخ استثمار و مبارزات خونین طبقه ما را به صورت ساده بیان داشته و در سنگر مستقل، پرچم خونین نبرد طبقاتی بر علیه سرمایه داران را برافراشته اند. رفقا! من یکی از میلیون ها کارگری هستم که در جغرافیایی به نام ایران، کوله بار بردگی مزدوری را در کارگاه های کوچک بر گرده ام بستند و به همراهی شماری از هم زنجیرانم هم چون نفرین شدگان، در تالان های کوچک و بزرگ استثمار با معلول و مسلول شدن مان، با جان باختن یاران و عزیزان مان، نفرت انگیزی کار را و شرایط غیر انسانی محیطش را با پوست و گوشت مان حس کرده و برای نابودی عامل اصلی اش سرمایه پای فشرده و برای اتحاد و تشکل مان کوشیدیم...

با خودتکایی در حرکت جمعی خواهیم کوشید... و هر چند که تهیدستی بر پیشانی مان حک خورده، اما پیشیز پیشیز از گلو خواهیم زد تا فریادمان در نشریه «کارگر تبعیدی» رساتر گردد.

از نامه های مورخ ۹۶/۷/۳۰ و ۹۶/۹/۱۲ کارگر پناهنده آلمان

در نشریه جای بحث های نظری خالی است

داشتم نشریات کارگر تبعیدی از اولین تا آخرین شماره را ورق می زدم، دیدم به حق باید گفت که کارگر تبعیدی نسبت به سابق بهتر شده است. اما هنوز تا رسیدن به یک نشریه پر محتوای کارگری راه بسیاری در پیش دارد. مهمترین ضعف نشریه که کاملاً واضح است و به چشم هر بیننده ای می خورد، کمبود و یا حتی بهتر بگم فقدان بحث های نظری در آن است. در شماره ۳۴ دوتا بحث خوب از جلیل محمودی بود که امیدوارم از این گونه مباحث در نشریات بعدی هم بیاید. اما مهم این است که انجمن روی آلترناتیو خودش یعنی تشکل های مستقل کارگری کار کند. بدون روشن کردن این مسئله خیلی مهم باز هم کلاه ما کارگران پس معرکه خواهد ماند.

امین-کانادا ۹۶/۷/۸

در باره مدیریت کارگری صحبت داریم

دوستان عزیز کارگر تبعیدی

در فرصت های آینده علاقه مندم در باره برخی مطالب بیشتر صحبت کنیم، بخصوص در باره مدیریت کارگری، که مقاله جانبی در شماره ۳۴ در باره آن چاپ کرده بودید. من فعلاً ترجمه کتاب موريس برینتون را به نام (بلشویک ها و مدیریت کارگری) که در نوشته چاپ شده در شماره قبلی به آن اشاره شده بود را در دستم دارم تا روزی امکان چاپش فرا رسد.

رج - هلند- ۹۶/۹/۱۷

در اجرای مصوبات مجمع عمومی

با حفظ استقلال سیاسی خودم، از هیچ کوششی دریغ ندارم

دور جدیدی از دستگیری ها در گوشه و کنار کشور ژاپن شروع شده است و این موضوع مشغله ذهنی بیش از حد ایرانیان شده است و در این چارچوب به طبع من هم، جدا از شرایط موجود نیستم... در مورد مطالب نشریه با کلیه مفاد گزارش مجمع عمومی هشتم انجمن موافق هستم و در قبال آن از هیچ کوششی دریغ نخواهم کرد. البته با حفظ معیارها و

مشکلات پناهندگان پاکستان را دنبال کنید

رفقا مسائل پناهندگان و پناهمریان ایرانی در پاکستان را بیشتر دنبال کنید. بخصوص پناهندگان چپ که با خطر عدم پذیرش مواجه اند. و همچنین به مسئله مهاجرت که مسئولین UN می گویند قوانین مهاجرت در مورد پناهندگان ایرانی در پاکستان عوض شده و آنها فقط می توانند از طریق اسپانسر از اینجا مهاجرت کنند. وضعیت زندگی در پاکستان خیلی سخت است. یک آخوندی به عنوان پناهنده آمد اینجا در عرض یک هفته کارت پناهندگی گرفت. او که با محافظینش یک عمر کشت و دستور کشتن داد، حالا آمده پناهنده شده و به سرعت کارش راه می افتد، اما یک فرد سیاسی که در جهنم شاهی سوخت، در جهنم خمینی ها داغ شد، باید اینقدر بدبختی بکشد و عذاب روحی ببیند تا بالاخره از بین برود. جهنم UN برای افراد چپ و اپوزیسیون سیاسی سوزانده تر از جهنم شاه و خمینی است. یک فرد دیگر آمده که می گویند از طرفداران دکتر سروش است. UN وقت مصاحبه اش را بعد از ۱۵ روز تعیین کرده، اما وقت مصاحبه یک سیاسی اپوزیسیون بعد از دو ماه تعیین می شود و این وقت را بارها عقب می اندازند.

م - الف ۹۶/۶/۲۰

نشریات رسیده

(از همه دست اندرکاران ارجمند و دوستانی که محبت کرده و نشریات خود را به آدرس انجمن فرستاده اند، صمیمانه سپاسگزار می کنیم.)

- * آرش - نشریه فرهنگی و اجتماعی - شماره های ۵۵ و ۵۶
- * آوای زن - نشریه زنان ایرانی - شماره ۲۵
- * اتحاد کار - ارگان مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - شماره های ۲۷-۲۸-۲۹
- * انترناسیونال - نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - شماره ۲۱
- * به پیش - در راه نوسازی وحدت جنبش کمونیستی - شماره ۳
- * پر - شماره ۱۲۷
- * پیام رهایی - شماره ۳ - شهریور ماه ۷۵
- * پیام فدایی - ارگان چریک های فدایی خلق ایران - شماره ۹
- * پیوند - از انتشارات انجمن مهاجرین و پناهندگان ایرانی - بریتیش کلمبیا - کانادا - شماره ۲۱
- * جهان امروز - نشریه سیاسی - خبری - شماره های ۱۷ و ۱۸
- * خبرنگار شماره ۱ و ۲ - کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران - آخن
- * راه آینده در دفاع از مارکسیسم و سوسیالیسم - شماره های ۱۹-۲۰-۲۱
- * راه کارگر - ارگان سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران - شماره های ۱۳۶-۱۳۷

- * زن در مبارزه - شماره ۴
- * سینمای آزاد - شماره ۲

- * قاصدک - ماه نامه ای برای فارسی دانان مقیم آلمان - شماره ۹-۱۰
- * قسه و طنز - ویژه طنز و داستان نویسی - شماره ۷
- * کار - ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شماره های ۱۳۳ تا ۱۴۲

- * کمون - ارکان سیاسی - تئوریک شورای کار - شماره ۷
- * کنکاش - در گستره تاریخ و سیاست - شماره ۱۲

کتابهای رسیده

- * گزارش - نشریه شورای دفاع از مبارزات خلقهای ایران - رین - شماره ۸
- * گزاره - ارگان خبری جامعه دفاع از حقوق بشر - شماره ۱۵
- * ماه نامه توفان - شماره ۲۱
- * مهرگان - نشریه فرهنگی-سیاسی (از انتشارات جامعه معلمان ایران) شماره های ۳ و ۴ (سال ۷۴) و شماره ۱ (سال ۷۵)
- * نقد در زمینه ی تئوری رادیکال جامعه - شماره ۱۸
- * نقطه - نشریه سیاسی - اجتماعی و فرهنگی - شماره های ۴ و ۵
- # neue Arbeiter Presse , Nr 836 - 840
- # direkt, 3 juni 96
- # Never Cross a picket Line, The Story of 500 sacked Liver Pool dockery
- # Workers press, No 505-506
- # International Trade Unionist , No 6
- # Iran Echo, Staatsterrorismus. Aus dem Iran
- # A chapter of the Report on Seven Years Imprisonment, What Happened To Us in 1988?

Baran Bookförlag
Box 4048
16304 Spanga
Sweden

فلسفه و مارکسیسم، اثر لونی آلتوسر - مترجم: ناصر اعتمادی
نیردی نابرابر - گزارشی از هفت سال زندان - ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۸ - نیما
پرورش
آدرس:

Andeesheh Va Peykar
C/O Postfach 2030
52022 Aachen
Germany

مجموع داستان ژاندارمها - لطیف دستبروس
آدرس:

L.Dastbos
Postfach 100808
50939 Köln
Germany

کمک های مالی رسیده

- | | |
|----------|--------------------|
| ۱۳۰ پوند | رفقای از انگلستان |
| ۲۵ گیلدن | رفیق ابراهیم |
| ۷۰ مارک | رفیق امین |
| ۲۰ مارک | کارگر پناهنده |
| ۳۵ مارک | رفیق خیراله حسونند |
| ۵۰ مارک | Wolfgang |

چند نکته پیرامون مقالات مندرج در نشریه شماره ۳۴

راست جو

با درود و بهترین آرزوها!

کارگران تبعیدی و پناهنده و مهاجر گرامی!

تحریریه ارجمند نشریه!

نویسنده عزیز مقاله «۱- در انقلاب ۱۹۱۷ ... ۲- نگاهی اجمالی به تلورسم...»

در آغاز امید تندرستی. مقالات جالبی بود که در نشریه شماره ۳۴ کارگر تبعیدی چاپ شده بود. نویسنده سعی کرده بود که بشیوه رایج در جنبش چپ متوسل نشود و آن «جنگ زرگری» که همچنان بیمارگونه در شریات چپ و خود کمونیست و کارگری... نامیده مرسوم است را گرفتار نشود. گفتم که سعی شده بود و این خود مثبت است. در مقاله اول (انقلاب ۱۹۱۷...) بدرستی از شیوه و نظرات و عملکرد غالب بر حزب حاکم در شوروی در آن مقطع انتقاد شده و بطریق اولی از نظرات لنین و تروتسکی. اما در کنار آن یک کاستی در برخورد به کارگران شوروی در آن واحد برایم (بعنوان یک خواننده، دوست و مُتفقد) ملموس و محسوس بود، و آن اینکه با همه اشاراتی که به موقعیت اجتماعی و سیاسی کارگران شده بود: اینکه «به اندازه کافی نیرومند و آگاه نبودند...» مرا قدری با مشکل روبرو می‌کند. همانطور که با چنین مشکلی در ۶ سمینار نیروهای خود چپ نامیده که منجر به یارگیری در بخشی از آن و یکی از نتایج آن «اتحاد نیروهای چپ کارگری» شد، مواجه می‌کنم! برای آنکه مسئله قدری روشن شود، لازم به توضیح است و کمی از چگونگی برخورد افراد شرکت کننده در سمینارها در مورد کارگران در روسیه و اوائل انقلاب ۱۹۱۷ (در زمان دولت موقت و بعد از آن) را باید یادآوری کنم و فکر می‌کنم برایتان جالب خواهد بود. آری، در سمینار اول و دوم تمامی سخنرانان (تا آنجا که یادم هست بدون ترک سائن و سیگار کشیدن و غیره رایج در نشستها!!) به صحرای کریلا زدند یکی در عرصه جهانی (بطور اعم شوروی یعنی استالینسیم به گفته آنان) و دیگری در عرصه ملی (یعنی ایران و بویژه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در زمان شاه...) و همان تکرار مکررات که مُد شده بود و خود داستانی است غم‌انگیز! البته وجود مثبتی هم داشت که در این مطلب نمی‌گنجد. هنگامیکه نوبت به من رسید کاملاً آگاهانه و تحریک‌آمیز، مختصر و کوتاه بجای زدن به صحرای کریلا استالین و یا مشی چریکی به یکی دو مسئله که می‌بایست پرداخته میشد و نشده بود اشاره کرده و خواهان جواب به چند سؤال ساده شدم یکی از آن پرسش‌ها که تاکنون هم بدون پاسخ مانده همین مسئله انتقاد از کارگران عزیز در آن زمان است. یادم می‌آید در مقابل همه آنانی که تمامی تقصیر و فاجعه را به گردن حزب، بقول لنین‌های زمان ما استالین می‌انداختند، گفتم: آن طبقه کارگر بیهوده شوروی چکار می‌کرد با همه آن شرایط سخت حاکم بر جامعه آن زمان چرا به این خفت و مناسبات سلطه‌گرانه تسلیم شد؟ چرا کارگران اروپا با آن سابقه جنبش کارگری‌شان آنگونه و این‌گونه‌اند؟ چرا کسی از دوستان یقه این کارگران را نمی‌گیرد؟ چرا در جبهه کارگران دوستان غیر کارگر و کارگرشان «پسه زیر بغل هم‌دیگر می‌گذارند»؟ اگر بدبینانه بگوئیم به کارگران باج می‌دهند. از سازمان‌ها و احزاب موجود که خود را نماینده پرولتاریا می‌دانند انتظاری بیش از این نیست. چون این روانشناسی را می‌شناسم که هم‌اکنون تمامی بحران شخصی و سازمانی و سیاسی و اجتماعی خود را پشت واژه طبقه کارگر... پنهان می‌کنند و «سنگ بزرگ هم که علامت زدن است...» از اینجا طرفداری و نمایندگی پرولتاریا را داشتن در ایران که وطن عزیزشان (!!) هم می‌دانند را بغاطرش از کسی مالیات نمی‌گیرند. شاید اکنون خواننده فکر می‌کند که جملات بالا قدری زننده و توهین‌آمیز

می‌باشد. دوستان، «سخن از مهر من و جور شماها نیست...» اینگونه شوک معالجات از جانب بنده در سمینارها کسی را حتی بمدت یک ساعت هم بفکر و انداخت! شاید هم بعضی‌ها فکر کردند که طرف قاطی کرده و مگر می‌شود در یک چنین جمعی کسی بخود اجازه چنین صحبتی را بدهد و بگوید باید از کارگران هم انتقاد کرد؟ یا بیشتر از آن یقه آنها را گرفت و توضیح خواست. شاید بگویند کارگر بیچاره یقه‌ای ندارد که تازه بشود آترا گرفت؟! گفتم دوستان این خیلی راحت است که تمام کاسه کوزه‌ها را سر یکنفر بنام استالین بشکنید. آخر یک نفر از این دوستان سخنران ما در آن سمینارها نگفت که این چگونه «حزب کمونیستی» بود که یک نفر را به امامت رساند؟ خوب می‌گوئیم این کمونیست‌ها چونکه کارگران نبودند نمی‌توان انتظار دیگری از آنها داشت؟! خوب این کارگران آگاه و مسلح و کمونیست کجا بودند؟ حسارت پرولتری و نمونه یک انسان نوین کمونیست به کجا رفته بود؟ چرا این مسئله در جبهه دوستان برجسته نمی‌شود؟ آیا باید مثل روشنفکران خود چپ نامیده سکوت کرد و به این بخش انحرافی کارگران باج داد و به چاپلوسی از آنها ادامه داد؟ تا همچنان تلاش و فداکاری آن عده از کارگران «برای تغییر بنیادین شرایط هستی خویش» را به نابودی و شکست بکشانند. چرا نباید دوستان قلم‌زن کارگر از هم طبقه‌ای‌های خود انتقاد و آن بخش ارتجاعی و انحرافی را اثناء کنند؟ چرا باید همه گناه و تقصیر را بگردن تلورسم و پشتیبانی‌اش از جانب لنین و غیره انداخت. خوب این خیلی جالب است بدون آن جنگ زرگری متداول این حقیقت تلخ را برای آن عده خود چپ نامیده روشن کرده و اینکه دیگر باید از امام درست کردن دست بشویند؟! و هر چیز مقدس را آب پاکی رویش بریزند و اینکه می‌توان مارکس و لنین را هم زیر سؤال برد.

آیا زمان آن فرا نرسیده که روانشناسی حاکم بر کارگران را به نقد کشید؟

آیا کارگران هم باید مثل روشنفکران خود چپ و کمونیست نامیده از این کار طفره روند و خود را به نشنیدن بزنند؟!

آیا کارگران نباید این بخش انحرافی و ارتجاعی درون خود را کالبد شکافی نمایند؟

آیا کارگران هم باید مثل خود چپ و کمونیست نامیده‌ها، ضعفها و انحرافات خود را پشت واژه‌هایی که بغلط پشت‌شان یک ایسم اضافه می‌کنند (استالینسیم؟! تروتسکیسم؟! مانوئیسیم؟!...) مخفی کنند؟

در پایان سعادت و بهروزی و پویندگی و رزمندگی همه کارگران را آرزومندم.

دوستدارتان - ۹۶/۶/۲۲

سخنان نماینده کارگران...

بقیه از صفحه ۱۱

مشکل طبقه کارگر و اتحادیه‌ها، مشکل سیاسی است. اتحادیه سازمانی برای دفاع و مبارزه است و محیطی برای رشد عقاید مختلف می‌باشد. در زمان وجود تورم اتحادیه‌ها کاری نمی‌توانند بکنند. اگر اتحادیه وسیله‌ای برای گرفتن قدرت سیاسی نشود، تمام مقاومت‌هایش را از دست می‌دهد. اختلافی بین بخش‌های مختلف طبقه کارگر وجود ندارد. نباید بین کارگران پارچه‌بافی، مهندسی، معلمین و کارگران یدی فرق گذاشت همه در یک سطح هستند. دفاع از هر درجه از رشد سطح زندگی، به مسئله سیاسی و مسئله قدرت مربوط می‌باشد. اعتصاب عمومی میلیون‌ها انسان را در بلگراد دور هم جمع می‌کند و آن به معنی سرنگونی حکومت می‌باشد. طبقه کارگر قادر نخواهد بود این مسئله را بدون هدفمند کردن اتحادیه‌ها و سندیکاها و رشد آگاهی طبقاتی برای تشکیل حزب سیاسی به سرانجام برساند.

ادامه دارد

برگ‌هایی از تاریخ مبارزه طبقاتی

تداوم کار انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی در تبعید، تعهدی است اخلاقی، انسانی و شرافتمندانه برای کارگران داخل کشور!
نادر صومعه‌سرای

آغاز راهپیمایی ۲۵ روزه کارگران شهرداری منطقه کاغذخانه استانبول (۱۳ آوریل ۱۹۹۳)

در ۱۱ ژانویه ۱۹۹۳ شهرداری کاغذخانه استانبول ۳۴۳ تن از کارگران شاغل خود را از کار اخراج کرد و پس از آن شهرداری منطقه کاغذخانه به میدان مبارزه کارگران اخراجی و سایر همکارانشان تبدیل شد و پس از ماهها اعتراض، ۱۲۰ کارگر اخراجی در ۱۳ آوریل ۹۳ راهپیمایی‌ای به طرف آنکارا آغاز کردند. علیرغم بسته شدن تمام خیابان‌ها و کوچه‌های منتهی به محلی که قرار بود راهپیمایی از آنجا آغاز شود، کارگران در حالیکه دو هزار تن از همکارانشان آنها را همراهی می‌کردند به مقابل شهرداری کاغذخانه آمده و در حالیکه از طرف هزاران کارگر و زحمتکش مناطق بین راه همراهی می‌شدند بعد از ۲۵ روز راهپیمایی به آنکارا رسیدند. آنها در حالیکه شعار «اگر سرانجام ما سرگ باشد، مبارزه را تا سرانجامان ادامه خواهیم داد» را سر می‌دادند، به مقابل وزارت کشور ترکیه رفتند. پس از عقب نشینی شهرداری منطقه کاغذخانه استانبول از اخراج ۳۴۳ کارگر، راهپیمایی کارگران شهرداری کاغذخانه استانبول پایان یافت.

قیام کارگران استانبول (۱۶-۱۵ ژوئن ۱۹۷۰)

در پانزدهم ژوئن ۱۹۷۰ دولت ترکیه با همکاری سایر احزاب بورژوازی و کنفدراسیون کارگری ترک‌ایش (Türk-İS) جهت مقابله با اعتراضات روزافزون کارگران لویح جدیدی را جهت تصویب به مجلس این کشور ارائه داد. مطابق لویح جدید مقدرات سندیگاهها، قرارداد دستجمعی کار و اعتصابات کارگری بیش از پیش محدودتر می‌گردید. در مقابل سیاست دولت و خیانت کنفدراسیون کارگری ترک‌ایش، کارگران کارخانجات و مراکز مختلف کارگری استانبول و ازمیت در مقابل مراکز کار تجمع کرده و در محلات مختلف شهر دست به راهپیمایی بر علیه سیاست جدید دولت زدند. تظاهرات در سه منطقه استانبول با شرکت بیش از هفتاد هزار کارگر برگزار شد و با دخالت پلیس و ارتش رویرو گشت. کارگران خشمگین همه موانع را یکی پس از دیگری از میان برمی‌داشتند و این قیام تا عصر ۱۶ ژوئن ادامه یافت و با تداوم قیام کارگری، نیروهای نظامی و مزدور دست به خشونت بیشتری زدند و در جریان تیراندازی پلیس و ارتش سه کارگر به نام مصطفی بایلان، عبدالرحمان بندزکورت و یاشاریلدرم جان باختند و بیش از دویست کارگر زخمی و صدها تن دستگیر شدند. با اعلام حکومت نظامی و منع تردد شبانه، قیام کارگران استانبول و ازمیت از طرف دولت سرکوب شد.

سرمایه‌داران و حافظان سرمایه در اقصی نقاط این کره خاکی، کارگران و مزدبگیران را در شرایط مکانی، زمانی و موقعیتی و بنا به خواسته‌ها و امیال خود تعریف و توضیح می‌دهند و جایگاهی را که خداوندگان زر و زور تعیین کرده‌اند بر آنها معلوم می‌گرداند.

گروهی، این ستم‌کشیدگان سالیان بشمار را، خلقی تا ابدالدهر تغییرناپذیر می‌دانند و خود را با افتخار، نان‌ده و روزی‌رسان آنان می‌پندارند. و گله‌گانی نیز خود را قیم و آقا، صاحب و مالک بی‌چون و چرای آنان به حساب می‌آورند.

و جانورانی که هست و نیست ملتی را در چنگال گرفته‌اند و میلیون‌ها انسان شرافتمند مزدبگیر را با تشبیهات و توضیحات من‌درآوردی که هیچ ربطی به زمین‌وآسمان‌ها نیز ندارد، به بوسه‌زنان کف‌دست رسولان قدرت و ستم که خود نیز اجنبیان فراسوی مرزهای انسانی هستند حواله می‌دهند، تا راحت‌تر و بیشتر بر اریکه قدرت تکیه زنند و از دستان پینه زده مزدبگیران بام تا شام، نغمه‌های چرب و نرم فرو دهند.

این هست هویت میلیون‌ها انسان شرافتمند که خود خالق سرمایه عظیم جهانی هستند ولی هیچ سهمی از آن به منزلگه هستی نمی‌برند! آیا می‌توان به بقای این نظم جهانی باور داشت؟! اگر ما باورمان شود ولی طبقه کارگر به این چرندیات و خرافات الهی و آسمانی ازلی و ابدی ایمان ندارد. او به حاصل کار و دست‌رنج خود می‌نگرد و برای آن تلاش و مبارزه می‌کند و دست از آن برنخواهد داشت.

فرار، تبعید و مهاجرت اجباری بیشماری از کارگران ایرانی که تنها نمونه‌ای کوچک از مبارزات کارگران در سطح جهان است، نشانه تداوم رزم این طبقه است. تبعید و مهاجرت اجباری کارگران ایرانی به ترکیه-پاکستان-هند-کره-ژاپن-سراسر اروپا-آمریکا و کانادا و... یک پدیده تازه است و تجربه‌ای نوین و تعمق و تأمل در آن گامی است بجلو در جهت رشد فکری و آگاهی طبقاتی کارگران ایران.

این پدیده نوین تفاوت فاحشی با کوچ و مهاجرت ایرانیان دوران قاجار-پهلوی پدر و پسر دارد. تبعید و فرار کارگران ایرانی دهه اخیر اگر چه رهبران جنبش کارگری را از کارگران جدا نمود ولی از سوی دیگر تجربیات غنی و پرارزشی را به همراه داشت. درست جان جمله در همین جا نهفته است که نطفه اتحاد طبقه کارگر ایرانی در خارج از کشور بسته شد. اگر چه ضعیف و آهسته ولی پیوسته است و بسوی جلو در حرکت. از اینکه حرکت آغازین آنان ضعیف بوده و یا هست، مانع‌ای در پیشبرد و پیشرفت کارشان ایجاد نمی‌کند. دانه‌هایی که این تشکل کوچک کارگری در دشت عظیم طبقه کارگر ایرانی پاشیده، جوانه‌های آن هم‌اکنون مشاهده می‌گردد. اگر چه خیلی زود نه، ولی شکوفایی و سرسبزی آن هم به درازا نخواهد کشید.

این تجربه تاکنون برای کارگر ایرانی در خارج از کشور پیش نیامده. بدیهی است که نباید سطحی و روشنفکرانه نیز از آن عبور کرد. تجربیات علمی و پر از دانش خود را به داخل مرزهای ایران گسیل خواهد داشت و برگ زرینی خواهد بود بر تارک جنبش طبقه کارگر ایرانی.

پیروز باد جنبش طبقه کارگر

دیدار و گفتگو با چند تن از کارگران زن نظافتچی بیمارستان هلینگدون

حسن

بپردازیم و حقوق متوسط آنها را ۱۰۰۰ پوند در نظر بگیریم این شرکت تنها حاضر شده در ازای ۷ سال فقط مزد یک ماه را بپردازد. البته همانطور که اشاره شد تمام کارگران نظافتچی اعتصابی متفقاً با خشم و عصبانیت صدقه شرکت پال مال را رد کرده بودند. این بار خشم آنها به حق دامن نمایندگان اتحادیه که یک طرف مذاکره را تشکیل می دادند گرفته بود. به طوریکه یکی از آنها گفت: «این تنها کارفرما نیست که می خواهد ما خسته بشویم و از اعتصاب دست بکشیم بلکه نمایندگان اتحادیه هم همین را می خواهند، ولی ما هیچ راهی نداریم جز ادامه پیگیری اعتصاب.» اعضای انجمن هم با تأیید صددرصد این نتیجه گیری اضافه کردند که تاکنون که هشت ماه از اعتصاب شما می گذرد تمام اقدامات دلسرد کننده و حملات انجام شده نتوانسته به اتحاد شما ضربه بزند و این خود پیروزی مهمی است. ما این پیگیری و همبستگی شما را تحسین می کنیم. سپس از آنها پرسیدیم که ما شنیده ایم این اواخر مورد حمله عده ای راسیست قرار گرفته اید؟ که در پاسخ گفتند: «تقریباً دو هفته پیش بود که ما در همینجا وقتی مشغول خوردن غذا بودیم مورد پرتاب تخم مرغ قرار گرفتیم. یک بار دیگر هم از طرف عده ای به سوی ما پاره سنگ پرتاب شد. ولی ما ترسی از آنها نداریم ما هم جوابشان را خواهیم داد.»

یکی از کارگران اضافه کرد که: «درست هفته پیش بود که مامورین اداره آتش نشانی باردیگر به تحریک روسای بیمارستان و برای آوردن فشار به ما به اینجا آمده بودند. آنها به بهانه روشن کردن آتش توسط ما در یک بشکه فلزی که برای گرم کردن خودمان برافروخته بودیم، آمده بودند اینجا که فشارهای آنها به جایی نرسید.»

مصاحبه ای کوتاه با دبیرکل اتحادیه «هم صدا»

در حین یک راه پیمایی که به حمایت از کارگران اعتصابی نظافتچی بیمارستان هلینگدون صورت گرفته بود، ما موفق به دیدار با دبیرکل اتحادیه هم صدا شدیم. از فرصت استفاده کرده و در هنگام راه پیمایی سئوالاتی از ایشان نمودیم که ذیلاً از نظراتان خواهد گذشت:

لازم به توضیح است که برخلاف انتظار ما استقبال از این راه پیمایی چشم گیر نبود و تعداد شرکت کنندگان به ۱۰۰۰ نفر هم نمی رسید. تنها شرکت وسیع کارگران اعتصابی کشتیرانی لیورپول همراه خانواده هایشان در این راه پیمایی قابل توجه بود.

عضو انجمن: متأسفانه شاهدیم که استقبال چندانی از سوی کارگران مختلف اتحادیه ها و سازمان ها نه از این راه پیمایی ها و نه در همبستگی با کارگران نظافتچی هلینگدون ظرف مدت ۸ ماه اعتصاب آنها نشده، علت این امر را در چه می بینید؟

دبیرکل اتحادیه: اغلب آنها از ترس این که کارشان را از دست بدهند، شرکت نمی کنند.

عضو انجمن: از زمانی که این کارگران اعتصاب خودشان را شروع کرده اند تاکنون اقداماتی جدی برای همبستگی از طرف اتحادیه های دیگر در حمایت از آنها صورت نگرفته و به عبارت دیگر آنها در انزوا قرار داده شده اند. عده ای، مقصر را شما و دیگر مسئولین اتحادیه UNISON (هم صدا) می دانند، نظراتان در این رابطه چیست؟

پویان

بیمارستان هلینگدون در شمال لندن واقع شده است. در این بیمارستان از اوایل اکتبر ۱۹۹۵، ۵۴ کارگر زن نظافتچی در اعتصاب به برمی بوند. آنها علیه کاهشی ۲۵ درصد از دستمزد و مزایای خود مبارزه می کنند. علاوه بر این آنها قاضیانه همبستگی خود را با مبارزه کارگران توزیع مواد غذایی و کارگران اعتصابی بندر لیورپول اعلام کرده اند و یکباره در تجمعات اعتراضی آنها نیز شرکت می نمایند. در کارگر تبعیدی شماره ۳۳ گزارشی در باره مبارزه آنها چاپ شده است. در این شماره نیز گزارش دیدار و گفتگوی رفقای انجمن در لندن با این کارگران را به چاپ می رسانیم.

در تاریخ ۲۷ ماه مه برای سومین بار بود که به دیدار کارگران اعتصابی بیمارستان هلینگدون می رفتیم. آنها مانند همیشه با روحیه ای گشاده و با گرمی خاصی از ما استقبال کردند. وقتی به طور خودمانی از ایشان احوال پرسیدیم گفتیم چه خبر، آنها در جواب گفتند که: «تاکنون نتیجه مثبتی از طرف شرکت «پال مال» دریافت نکرده ایم و در ادامه تصریح نمودند که فقط دیروز بود که نامه ای از طرف اتحادیه هم صدا (یونیسون UNISON) به طور جداگانه برای هر کدام از ما فرستاده شد. در آن نامه ذکر شده بود که شرکت پال مال (کارفرمای کارگران اعتصابی) در جلسه ای که با اتحادیه داشته، پذیرفته که یک مقدار ناچیزی پول بابت سالها زحمت شبانه روزی به ما بپردازد. این پیشنهاد واقعاً مسخره است و همه ما متحداً به این نامه جواب رد داده ایم.» یکی از کارگران نامه ای را که دریافت نموده بود از جیبش درآورد و به ما نشان داد.

آرم اتحادیه یونیسون در بالای نامه بود و این نشان میداد که نامه از سوی اتحادیه مذکور به کارگران فرستاده شده بود. در نامه با اشاره به این نکته که نماینده اتحادیه یونیسون با نمایندگان شرکت پال مال در تاریخ ۱۶ مه ۱۹۹۶ جلسه ای تشکیل داده اند، ذکر شده بود: در جلسه مذکور نماینده اتحادیه قبول نمود که ۱۰۰۰ پوند بعنوان حداقل پایه در ازای حداقل ۱۵ ساعت کار در هفته و حداقل ۲ سال کار از طرف شرکت پال مال به کارگران پرداخت شود.

برای کسانی که بیش از ۲ سال کار کرده اند، مقدار بیشتری پرداخت خواهد شد. این مبلغ بابت بازخرید کارگران به آنها پرداخت خواهد شد. در نامه ذکر شده بود که برای همه ۵۴ کارگر اعتصابی تنها مبلغ ۱۲۵ هزار پوند در نظر گرفته شده، یعنی به طور متوسط برای بازخرید هر کارگر، شرکت پال مال حاضر شده بود تنها ۲۳۱۰ پوند بپردازد.

مثلاً برای یکی از کارگران که حدود ۲۳ سال سابقه کار داشت فقط ۳۱۶۰ پوند (که تنها برابر با متوسط ۳ ماه دستمزد یک کارگر می باشد) در نظر گرفته شده بود. حال به یک مقایسه مختصر با شرایط بازخرید کارگران شرکت نفت آبادان در ۳۰ سال قبل در زمان حکومت ضدکارگری شاه می پردازیم که عمق فاجعه معامله فروش اوزان این کارگران آن هم با شرکت و حضور نمایندگان اتحادیه بیشتر روشن شود.

در ۳۰ سال پیش شرکت نفت آبادان حاضر شده بود که هر سال ۲ ماه بابت بازخرید کارگران به آنها بپردازد که تعدادی از کارگران آنرا پذیرفتند و به عنوان کارگران بازخرید شده سالی دو ماه معروف شدند. حال اگر با یک حساب سرانگشتی به پرداخت ۳۱۶۰ پوند در ازای ۲۳ سال کار

وارد اعتصاب بشویم. درست در همین موقع بود که یکی از مسئولین اداری اتحادیه به جمع ما آمد و به ما گفت که هیچ شانس برای رز عضو کردن قرارداد وجود ندارد. بروید و آنرا امضاء کنید که ما جواب منفی شوالاات پزهای دادیم.

عضو انجمن: چه کسی این قدر قدرت به این شرکت ها می دهد که هرسانی کاری بخواهند بکنند و در این رابطه دولت چه نقشی بازی می کند؟ بردازم. کارگر نظافتچی: خیلی آشکار است که دولت کنونی است که از اپری توانیم شرکت ها دفاع می کند. اداره خدمات ملی درمانی (NHS) ما را به این کارگر شرکت ها فروخته است.

(لازم به یادآوری است که قبل از اینکه این بیمارستانها و کارکنان خودمان آنها زیر نظر شرکت های خصوصی اداره بشوند زیر نظر اداره خدمات ملی درمانی اداره می شدند.)

عضو انجمن: آیا به نظر شما ما کارگران اصلاً نیازی به کارفرمایان هستیم؟

کارگر نظافتچی: ما نیاز به کارفرمای خوب داریم.

عضو انجمن: آخه همه کارفرماها حتی آنهایی را که خوب حساب همیشه می کنی فقط به فکر منافع و سود خودشان هستند.

کارگر نظافتچی: ما احتیاج به رهبران خوب و قوی داریم که از ما دفاع بکنند.

عضو انجمن: بهرحال عده ای از کارگران در طول مبارزه خودشان با کارفرماها بدین نتیجه رسیده اند که اگر بخواهند برای همیشه زندگی و کارشان در امنیت قرار گیرد و از وضع آبرومندانهای برخوردار شوند و در نیازهای زندگیشان برآورده شود، میبایستی به اتفاق دیگر کارگران حکومتی را تشکیل دهند که دیگر در آن کارفرمایان جایی نداشته باشند که خود را حاضر در صاحب مؤسسات عمومی و کارخانجات و بیمارستانها بدانند و بهر فرصت شکل که خواستند بخاطر منافع خود حقوق کارگران (مثل شما) را قطع شرح کنند و جرات بیرون انداختن کارگران را داشته باشند.

کارگر نظافتچی: این خیلی خوب است، این ایده بسیار خوبی است (ناگهان او به طرف شخصی اشاره کرد که از راه دور و بیراهه بجای عبور از کنار تجمع کارگران که در خیابان اصلی و درب اصلی بیمارستان کارگر مستقر شده بودند عبور می کرد. و گفت ایشان یکی از مدیران بیمارستان شرایط می باشد که از ترس ما آن بیراهه را انتخاب کرده است. سپس با هم حاکمیت علیه همان مدیر شعار دادیم.)

* مصاحبه با یکی دیگر از کارگران نظافتچی که هندی الاصل ضعیفی می باشد:

عضو انجمن: به نظر شما عامل اصلی وضع حاضر شما، این برای بدبختی ها و اجحافات به حقوق شما چیست و چه کسانی از این شرکت ها بعنوان دفاع می کنند؟

کارگر نظافتچی: علت دولت محافظه کار است یعنی دولت حاکم. هر شرکتی ما را به شرکت دیگر می فروشد، این شرکت همه چیز ما را تعد را همه مزایای ما را بریده است. آنها هر کاری دلشان می خواهد می کنند. از آنها ولی ما نمی خواهیم کارگر برده باشیم و ما اعتقاد داریم که این روزی مبارزه ای که الان می کنیم حتی بشکلی برای بچه هایمان در آینده برای در حال نسل جدید هم می باشد.

بیمارستانها باید به شکل سابق برگردند! باید دولتی باشند نه خصوصی! نباید تحویل شرکت های خصوصی داده شوند!

به نظر من همه سئوالاات یک جور و تکرار است، هر کس می آید اینجا اتحادیه یک جور شبیه هم سؤال می کند و فقط می خواهد که چیزی بنویسد کشور برود (گویا ایشان به نظر من از تکرار سئوالاات یکنواخت که تنها بجای حمایت حمایت واقعی از آنها مثل خیلی از احزاب و گروه های موجود فقط ب انگیزه پُر کردن روزنامه های خود به اینجا آمده، به حق خسته شده بود.)

دبیرکل اتحادیه: همیشه اینطور بوده که ما مقصر حساب می شویم، اما هیچکس جلوی کارگرانی که بخواهند از اعتصابیون دفاع کنند را نگرفته است.

عضو انجمن: آیا شما تمام امکانات اتحادیه UNISON (هم صدا) را برای حمایت و همبستگی دیگر اتحادیه ها از این کارگران اعتصابی بکار گرفته اید؟

دبیرکل اتحادیه: ایشان بجای جواب مستقیم به سؤال من دوباره تکرار کرد، کسی جلوی کسی را برای همبستگی و حمایت از آنها نگرفته است.

عضو انجمن: من شنیده ام که در مراحل اولیه اعتصاب شما از آنها حمایت نکرده اید، آیا این درست است؟

دبیرکل اتحادیه: ایشان یک نفر دیگر را در راهپیمایی نشان داد و گفت که آن شخص نیز یکی از مسئولین اتحادیه میباشد. این سؤال را از ایشان بکنید! (من بلافاصله نزد شخص مورد نظر که رئیس بخش سلامتی کارگران اتحادیه بود، رفتم و خودم را معرفی نموده و به سئوالاتم بشرح زیر ادامه دادم.)

عضو انجمن: آیا شما تمام امکانات خود را برای کشاندن دیگر اتحادیه ها به اینجا و همبستگی و حمایت آنها از این اعتصابیون بانجام رسانده اید یا نه و اگر نه چرا؟

رئیس بخش سلامتی: از سال ۱۹۷۹ که دولت محافظه کار سرکار آمد قانونی تصویب شد که اتحادیه ها دیگر نمی توانستند و حق نداشتند از دیگر اتحادیه ها دفاع و حمایت کنند. ما هم می بایستی این قانون را رعایت کنیم در غیر این صورت یک اقدام غیر قانونی حساب می شود.

عضو انجمن: تا کی شما تصمیم دارید این قانون ضد کارگری را دنبال کنید، چرا از آن موقع تاکنون اقدامات جدیی در لغو نمودن این قانون نکرده اید؟

رئیس بخش سلامتی: ما تابع تصمیمات مجامع اتحادیه خود هستیم که با رای گیری اکثریت نمایندگان کارگران انجام گرفته می شود.

در خاتمه به ایشان گفته شد که اشکال کار در این است که شما حاضر نیستید برای دفاع از منافع کارگران قری موقعیت خود را به خطر بیاندازید. شما عادت کرده اید که فقط در چارچوب قوانین دولتی حرکت کنید و این قوانین را نشکنید، اصل مطلب اینجاست!

مصاحبه با کارگران

اعضای انجمن در طی اعتصابات کارگران، مصاحبه هایی با تعدادی از آنها انجام دادند. رفقا کوشیده اند در مصاحبه ها، خود را صرفاً به مسائل صنفی محدود نکنند، بلکه به مسائل سیاسی و دورنمای جنبش کارگری نیز بپردازند. مصاحبه های زیر نمونه هایی از تلاش رفقا است.

مصاحبه با کارگران نظافتچی

* با یکی از کارگران نظافتچی که اهل نیلیپین است مصاحبه ای ترتیب داده، از او پرسیدیم: نظرتان را به طور کلی در رابطه با اعتصاب اخیرتان ذکر کنید؟ هر چیزی که فکر می کنید، گفتنش لازم است و دانستن آنها برای سایر کارگران مهم است ذکر کنید.

کارگر نظافتچی: مسئولین شرکت پال مال بطور غیرمنتظره یک قرارداد جدید جلوی روی ما آوردند و گفتند اگر می خواهید به کارتان ادامه بدهید باید این قرارداد جدید را امضاء کنید. آنها می گفتند ما دیگر از این به بعد نمی توانیم مزد ایام تعطیلات رسمی را به شما بدهیم، دیگر برای کار آخر هفته به کسی دوبله نمی پردازیم و...

ما در ابتدا از اتحادیه خواستیم که بیاید اینجا و از حقوق ما دفاع کند و این موقعی بود که تعداد زیادی از ما کارگران تصمیم گرفته بودیم

براین دالی: متأسفانه اعتصاب ما از طرف اتحادیه مان قانونی شمرده نشده و در نتیجه ما از مزایای دوران اعتصاب بوسیله اتحادیه برخوردار نیستیم.

عضو انجمن: شما چه پیام و توصیه ای برای دیگر کارگران دارید؟
براین دالی: توصیه من این است که ما کارگران نباید مسائل را برای کوتاه مدت ببینیم، بلکه برعکس باید بطور اساسی برای طولانی مدت فکر کنیم. همبستگی و حمایت مالی و عملی کارگران از یک طرف و از طرف دیگر وحدت آنها بسیار حیاتی است. ما باید برای شرایط بهتر زندگی مان و امنیت شغلی مان بر پایه حقوق انسانی، همچنان به مبارزه خود ادامه بدهیم.

عضو انجمن: شما اشاره خوبی کردید مبنی بر اینکه ما کارگران منافع خود را می بایستی در طولانی مدت ببینیم و خود را با گرفتن چند امتیاز کوچک قانع نکنیم. در یک کلام بطور آشکار ما شاهدیم که حکومت های حاضر از منافع سرمایه داران و این کمپانی ها دفاع می کنند، آیا به نظر شما تا زمانی که این سیستم حکومتی در راس قدرت قرار دارد ما کارگران بخواسته های اصلی خود خواهیم رسید؟

براین دالی: به نظر من این حکومت ها برپایه دفاع از نیازهای اولیه انسانها بنا نشده اند. ما شاهد فاصله هر چه بیشتر زندگی ثروتمندان با کارگران، و فقیرتر شدن عده وسیعی می باشیم. این سیستم سرمایه داراست و بسیار فاسد است. ما برای برقراری برابری اجتماعی می بایستی این سیستم سرمایه داری حاکم را سرنگون کنیم و بجای آن سوسیالیسم را برقرار کنیم.

عضو انجمن: بسیار از مصاحبت با شما خوشحالم که با وجود گرایشات مذهبی خود به چنین عقاید رادیکالی اعتقاد دارید. ما هم به نوبه خود معتقدیم که حکومت را بالاخره خود کارگران باید بدست گیرند تا از تمام ستم های سرمایه داری خود را رها کنند. و دیگر مجبور نباشند که نیروی کار خود را به مثنی کارفرمای حریص بفروشند و در نتیجه جامعه ای ساخته شود که همه انسانهای آن فقط برای نیاز خود و اجتماع کار کنند و نه سود.

*** مصاحبه دوم

شعار همسران یا زنان کارگران کشتیرانی در راهپیمایی چنین بود: «ما همرا مردانمان ایستاده ایم!»
این شعار نظر ما را جلب کرد و به جمع آنان رفته و با یکی از آنها گفتگویی داشتیم.

عضو انجمن: بعد از معرفی خودم، سنوال عمومی خود را مبنی بر نظر ایشان در رابطه با اعتصاب کارگران پرسیدم.

همسر کارگر: شوهر اخراجی من ۲۳ سال تمام در کشتیرانی لیورپول زحمت کشیده است که او تنها بخاطر حمایت از دیگر همکارانش و بخاطر پرداخت مزایای اضافه کاری اخراج گردیده و بناچار او هم برای دفاع از حقوق خود به اعتصاب پرداخته است. آنها چون نمی خواستند اتلاف وقت کنند (زیرا ۸۰ نفر همکارانشان قبلاً اعتصاب کرده بودند) زیر بار رأی گیری تشریفاتی (بالت) که مانعی برای اعتصابات فوری کارگران شده، نرفتند و بخاطر این موضوع اعتصاب آنها رسمی شناخته نشده است. اتحادیه هم که باید از آنها دفاع کند کارش فقط شده حرف زدن با مدیران.

عضو انجمن: به نظر شما نقش دولت در این رابطه چیست؟
همسر کارگر: فقط بگویم که دولت کنونی ۱۳ درصد از سهام این شرکت ها را دارا است.

عضو انجمن: احساس شما بعنوان همسر کارگری که اخراج شده چیست؟
همسر کارگر: من احساس بسیار خشمگینی دارم. تمام قوانین کنونی از روسا دفاع می کنند. اگر ما با هم جمع بشویم و متحد باشیم حتما موفق خواهیم شد.

عضو انجمن: اتفاقاً من فکر می کنم سنوالتم اساساً با خیلی از اوقات سازمانها و گروه های موجود فرق می کند و بجای پرداختن به بدهای جزئی و تکراری سعی کرده ام که به مسائل مهم تر، به سنوالتم و به مانی که بطور واقعی باعث نجات و رهایی ما برای همیشه می شود، بپردازم. مثلاً به نظر شما در چه حکومت و شرایطی ما کارگران خود را می توانیم برای همیشه از ستم های موجود و اجافات نجات بدهیم؟
کارگر نظامی: ما می خواهیم از شر شرکت پال مال خودمان را خلاص کنیم و جلوی این قطع مزایا و حقوق را بگیریم، ما باید به پیمان فکر کنیم.

عضو انجمن: شما در عمل با پشتیبانی خود از اعتصاب کارگران دیگر رکت ها و کارخانجات نشان دادید که چقدر ما کارگران نیاز به اتحاد و همبستگی با همدیگر داریم. ما کارگران نمی توانیم فقط بفکر کارگران همکار خودمان باشیم چرا که منافع ما با کارگران دیگر شرکت ها و کارخانجات بسیار نزدیک و مشترک می باشد و تازه اگر بخواهیم برای همیشه خود را نجات دهیم بدون اتحاد و همبستگی دیگر کارگران امکان پذیر نخواهد بود.

مصاحبه با تعدادی از کارگران اعتصابی کشتیرانی لیورپول

در راهپیمایی همبستگی با کارگران اعتصابی بیمارستان هلینگدون هدایت قابل توجهی از کارگران کشتیرانی لیورپول (که خود نیز در حال حاضر در اعتصاب بسر می برند) همراه همسرانشان شرکت داشتند که به ما فرصتی داد با چند تن از آنها نیز گفتگوی کوتاهی داشته باشیم که شرح زیر از نظراتان می گذرد:

*** مصاحبه اول

عضو انجمن: بعد از معرفی خود با گرمی و روحیه بسیار رفیقانه کارگر کشتیرانی روبرو شدم که بسیار علاقمند بود از اوضاع ایران و شرایط کارگران ایران چیزهایی بداند. ایشان تصور می کرد که به علت هاکمیت جمهوری اسلامی شاید همه کارگران مسلمان بوده در نتیجه از من سؤال کرد که آیا من هم مسلمان هستم؟ در جواب پاسخ دادم نه من مذهبی نیستم. سپس از ایشان پرسیدم که خودت چطور، او گفت من بطور معینی گرایش به مسیحیت دارم.

عضو انجمن: اوضاع کلی اعتصاب خودتان را چطور می بینی؟

این براین دالی: اسم من براین دالی (Brain Doley) است که مدت ۲۸ سال بعنوان کارگر کشتیرانی در لیورپول مشغول کار بوده ام. از تاریخ ۲۹ سپتامبر که شرکت های «هارپور و مرسی داگز» ۸۰ نفر از کارگران جوان این شرکت را که تنها به پرداخت اضافه کاری اعتراض کرده بودند اخراج کردند. ما تعدادی از کارگران این شرکت ها که بیش از ۴۰۰ نفر بودیم در حمایت از آنها به تجمع اعتراضی آنها پیوسته و از رفتن به سر کار امتناع ورزیدیم. شرکت های یاد شده بعد از تهدیدات خود ما را اخراج کردند که در حال حاضر ۵۰۰ نفر را اخراج کرده اند. تعداد زیادی از این کارگران جوان فرزندان ما می باشند.

عضو انجمن: همبستگی دیگران و حمایت از اعتصابتان چگونه است؟
براین دالی: در حال حاضر ما از حمایت بسیار وسیع تشکلات، اتحادیه ها و کارگران بنادر در دیگر کشورها برخوردار شده ایم. تاکنون ۱۶ کشور منجمله اسپانیا، استرالیا، آمریکا، نیوزلند و آفریقای جنوبی از ما حمایت کرده اند.

عضو انجمن: اوضاع حمایت اتحادیه های درون انگلستان از شما چطور بوده است؟

معرفی یک کتاب

اخیراً کتابی به نام «کمیته‌های کارخانه در انقلاب روسیه» توسط نشر «پژوهش کارگری» به چاپ رسیده است. این کتاب با استناد به منابع تاریخی، عملکرد کمیته‌های کارخانه یعنی یکی از تجارب غنی و گرانبهای جنبش کارگری را مورد بررسی و تعمق قرار داده است.

کتاب ۳۶۷ صفحه دارد و از پیشگفتار، ۱۱ فصل و یک بخش ضمیمه شامل ترجمه اسناد تشکیل شده است. نظر به اهمیت موضوع کتاب و نیز این‌که اثر فوق اولین تحقیق مفصل و جدی به زبان فارسی در باره تاریخ کمیته‌های کارخانه روسیه است، جهت معرفی کتاب توضیح ناشر آن را به چاپ می‌رسانیم.

توضیح ناشر در باره کتاب

اجتماعی طبقه کارگر دخالت می‌کردند. ترتیب دادن کلاس‌های سوادآموزی و برنامه‌های فرهنگی، بسیج توده‌ها تحت شعار "تمام قدرت به شوراها"، ایفای نقش تعیین‌کننده در ایجاد میلیشیای کارگری و شرکت فعال و مؤثر در انقلاب اکتبر گوشه‌هایی از اقدامات کمیته‌هاست.

این حقیقت تلخ که پس از گذشت هشت دهه از انقلاب روسیه هنوز حتی یک کار تحقیقی روشکافانه و عمیق به زبان فارسی در باره تاریخ کمیته‌های کارخانه وجود ندارد، به تنهایی می‌توانست دلیل قانع‌کننده‌ای برای ضرورت انتشار اثر حاضر باشد. اما خواننده در هنگام مطالعه کتاب متوجه خواهد شد که موضوع آن از یک پژوهش تاریخی فراتر می‌رود. نویسندگان این اثر کوشیده‌اند با کنکاش در یکی از غنی‌ترین تجارب جنبش کارگری، آموزش‌های آن را به مسائل تئوری انقلاب کارگری و شالوده نظری مبارزه در راه جامعه‌ای آزاد و برابر - جامعه‌ای کمونیستی - مرتبط سازند.

می‌توان مطلب را از زاویه دیگری نیز توضیح داد: در عام‌ترین سطح هر گونه بحث تئوریک در باره انقلاب سوسیالیستی و پی‌ریختن اقتصاد سوسیالیستی باید متکی باشد بر نقد مناسبات سرمایه‌داری از یک‌سو و تحلیل تاریخ غنی مبارزات کارگری و چگونگی سازمان‌یابی طبقه کارگر به‌ویژه در دوره‌های انقلابی از سوی دیگر. در این راستا طبعاً بررسی تلاش‌های نظری و عملی کارگران برای فراتر رفتن از مناسبات سرمایه‌داری و نحوه سازمان‌یابی طبقه کارگر در انقلاب روسیه جایگاه مهمی دارد. برای این اثر، اهمیت بررسی انقلاب ۱۹۱۷ روسیه نیز بر همین مناسبت. مؤلفین آن بحث‌های نظری خود در باره انقلاب سوسیالیستی را نه بر پایه "ایده‌ها و اصولی که یک مصلح جهان‌گشای یا اختراع کرده باشد" (مانیفست حزب کمونیست، بخش دوم) بلکه متکی بر تجارب یکی از مهم‌ترین جنبش‌های کارگری کرده‌اند.

ظاهراً تمام کمونیست‌ها عبارت مشهور اساسنامه بین‌الملل اول را می‌پذیرند که: "رهایی طبقه کارگر فقط می‌تواند به دست خود طبقه کارگر صورت گیرد." با این وجود به ندرت در مفهوم این عبارت مذاقه می‌شود؛ و باز هم کمتر آن را پایه و اساس تجزیه و تحلیل‌های اجتماعی قرار می‌دهند. به همین سبب نیز می‌بینیم که اکثریت قریب به اتفاق تاریخ‌نگاران مدعی کمونیسم منبای پژوهش‌های خود در باره انقلاب روسیه را نه عملکرد، میزان آگاهی و درجه سازمان‌یابی طبقه کارگر بلکه پراتیک این یا آن

کمیته‌های کارخانه در انقلاب روسیه

جنبش کنترل کارگری:

موضوع بلشویک‌ها و سایر احزاب سوسیالیست



شکوفه دشتستانی
شراره گرامی
کهزاه معین

این کتاب کوششی است شایسته در راه شناخت مسائل جنبش کارگری روسیه و از این رهگذر به دست آوردن درکی ملموس‌تر و واقعی‌تر از موضوعات مربوط به سوسیالیسم. در مرکز توجه کتاب جنبش کمیته‌های کارخانه در انقلاب روسیه قرار دارد. در دوره فوریه تا اکتبر ۱۹۱۷ کمیته‌های کارخانه نیرومندترین و فعال‌ترین تشکیلات کارگری بودند و پیش از سایر تشکلهای قدرت بسیج توده‌ای داشتند. کمیته‌های کارخانه در درجه اول ارگان‌های کنترل تولید بودند و می‌کوشیدند اقتدار سرمایه را در محیط‌های کار در هم بشکنند. آن‌ها در عین حال فعالیت‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی چشم‌گیری داشتند و در عرصه‌های گوناگون حیات سیاسی -

حزب و شخصیت قرار داده‌اند. اما نویسندگان کتاب حاضر راه دیگری پیموده‌اند. آنان آگاهانه کوشیده‌اند استنتاجات سیاسی - نظری خود را بر اساس موقعیت عینی و ذهنی طبقه کارگر روسیه - به‌ویژه مبارزترین تشکل‌های آن - استوار سازند. خواننده تیزبین به پیوند درونی بحث‌های نظری کتاب (تزریق آگاهی از خارج، ویژگی‌های کنترل و مدیریت کارگری و ...) با واقعیت‌های زنده مبارزه طبقه کارگر به طور عام و مبارزه کارگران روسیه در جریان پرده‌پرده‌ترین انقلاب قرن بیستم به طور خاص، پی می‌برد.

بخش‌های مهمی از کتاب به بررسی انتقادی پراتیک و تئوری لنین و بلشویک‌ها اختصاص دارد. در جنبش چپ ایران - به‌ویژه در سال‌های اول پس از انقلاب ۵۷ - از لنین و بلشویک‌ها اسطوره‌های خط‌ناپذیری ساخته شد. "لنینیسم" مدت‌ها "مارکسیسم عصر امپریالیسم" تعریف می‌شد و تمام گرایش‌های کمونیستی دیگر انحراف از "مارکسیسم - لنینیسم" و انعکاسی از ایدئولوژی بورژوازی تلقی می‌گردیدند. اما پس از فروریختن بلوک شرق نظریه‌پردازان غرب موج جدیدی از حملات کور و حقیرانه علیه بلشویک‌ها و لنین به پا کردند. بخشی از "روشنفکران" وطنی نیز که معمولاً عقایدشان منطبق است با نظرات "مد روز" و یا آخرین مقاله‌ای که خوانده‌اند، اسیر این موج جدید شدند. این بار به بهانه "تواندیشی" از بلشویک‌ها یک ضد اسطوره ساختند که گویا همه چیزشان مایه شر و بلاست.

شیوه برخورد کتاب حاضر به بلشویک‌ها از هر دو نوع برخورد‌های بالا متمایز است. در این‌جا نیازهای مبارزه طبقاتی کارگران و تشکل‌های توده‌ای آنان اصل گرفته شده و درجه نزدیکی یا دوری احزاب - از جمله بلشویک‌ها - نسبت به آن نیازها بررسی می‌گردد. با این شیوه احزاب و شخصیت‌های سیاسی در مکان واقعی خویش قرار می‌گیرند و در باره نقش آنان مبالغه نمی‌شود.

و اما تاریخ کمیته‌های کارخانه روسیه برای نسلی از فعالین کارگری ایران که از نزدیک در جریان فعالیت شوراهای کارگری ایران بودند نیز می‌تواند بسیار جالب و آموزنده باشد. یکی از ضعف‌های کارگران ایران و حتی پیشروان کارگری این بوده و هست که کمتر شناختی از مبارزات کارگران سایر کشورها و اشکال تشکل‌بایی آن‌ها دارند. حال آن‌که تجارب تشکل‌های گوناگون کارگری در نقاط دیگر جهان سرچشمه گرانبهایی است از درس‌ها و آموزش‌ها. در این میان - تا آن‌جا که به شوراهای ایران باز می‌گردد - کمیته‌های کارخانه روسیه مکان ویژه‌ای دارند. زیرا اولاً این تشکل‌ها در دل پرده‌پرده‌ترین و گسترده‌ترین انقلاب قرن حاضر نشو و نما یافتند و فعالیت‌شان از جنبه‌های گوناگون از تشکل‌های مشابه در کشورهای دیگر رادیکال‌تر و غنی‌تر بود. ثانیاً کمیته‌های کارخانه روسیه و شوراهای کارگری ایران - دست‌کم تا چند ماه پس از سرنگونی سلطنت - از لحاظ مضمون فعالیت در یک مقوله قرار می‌گیرند* و مابین تشکل‌های مذکور شباهت‌های زیادی می‌توان یافت: هم کمیته‌های کارخانه روسیه و هم شوراهای کارگری ایران در یک دوره انقلابی و از دل مبارزات خودجوش کارگران پدید آمدند؛ هر دو بر بستر تحول فکری کارگران به‌وجود آمدند و تشکل‌هایی بودند که برخلاف اتحادیه‌ها با نیازهای جدید مبارزه طبقاتی سازگار بودند؛ فعالیت هر دو

در محیط‌های کار طیف متنوعی از مطالبات کارگری (از خواسته‌های اقتصادی و مبارزه علیه فعال‌میشایی مدیران و نظام سلسله مراتبی در کارخانه‌ها گرفته تا امر استخدام و اخراج، کنترل بر تولید و دفاتر مالی) را در بر می‌گرفت و غیره. در عین حال در پرتو اطلاعات و فاکت‌های تاریخی کتاب و تصویر زنده‌ای که نویسندگان در برابر ما می‌گذارند، بهتر متوجه می‌شویم که جنبش کمیته‌های کارخانه روسیه به مراتب پربارتر از شوراهای کارگری ایران بود. مطالعه تاریخ کمیته‌های به ما کمک می‌کند ضعف‌های شوراهای ایران را بهتر بشناسیم و بتوانیم در تحولات انقلابی آینده با دیدی بازتر و تجاربی غنی‌تر شرکت کنیم.

از جنبه دیگری نیز موضوع کتاب اهمیت دارد: در سال‌های اخیر بحث تشکل‌های مستقل کارگری و ویژگی‌های آن‌ها در بین بخشی از فعالین کارگری و جریان‌های چپ در داخل و خارج از کشور مطرح شده است. با این حال تا آن‌جا که به نیروهای چپ مربوط می‌شود؛ بحث‌ها تا حدود زیادی انتزاعی و بی‌روح باقی مانده است. به تشکل مستقل کارگری به گونه‌ای ذهنی برخورد می‌شود. عده‌ای می‌کوشند "خصوصیاتی" برای تشکل مورد نظرشان بشمارند، بدون آن‌که این خصوصیات از دل تجزیه و تحلیل مشخص مبارزه طبقاتی و تشکل‌های گوناگونی که جنبش کارگری تاکنون به خود دیده است، به دست آید. برای بیرون رفتن از این سترونی فکری، باید مستقیماً به بیش از یک و نیم قرن مبارزه کارگران رجوع کرد؛ روند پدیداری و نشو و نما تشکل‌های مستقل (کمیته‌ها و کمیسیون‌های کارگری، شوراهای اتحادیه‌های کارگری و ...) را به دقت مطالعه نمود و سپس به تحلیل تئوریک مطلب پرداخت. در این ارتباط کنکاش در تاریخ کمیته‌های کارخانه روسیه - یعنی یکی از درخشان‌ترین و پربارترین تشکل‌های مستقل کارگری - بسیار آموزنده و راه‌گشا است.

۲۵ اوت ۱۹۹۶

کتاب را از طریق آدرس زیر سفارش دهید!

Pajuhesche Kargari

Postfach 5311

30053 Hannover

Germany

* بدیهی است که عملکرد کمیته‌های کارخانه روسیه و شوراهای ایران در کارخانجات مختلف این دو کشور متفاوت بود. به علاوه در مورد ایران آمار و اطلاعات دقیقی در باره چند و چون فعالیت شوراهای در مقیاس کل کشور در دست نیست. با این وجود می‌توان گرایش غالب در عملکرد دو تشکل مذکور را - به‌خصوص در صنایع کلیدی - در نظر گرفت و با یکدیگر مقایسه نمود.

کارگر تبعیدی

شماره ۳۵ * سال نهم

شهریور ۷۵ * سپتامبر ۹۶

بها معادل: ۳ مارک

برای دریافت نشریه کارگر تبعیدی با

آدرس های زیر مکاتبه کنید:

آلمان

Postfach 1951

30019 Hannover

Germany

انگلستان

IRWA

P.O.Box 3646

London Sw 11-5 Y T

England

آمریکا

Kargar Tabiedy

P.O.Box 835844

Richardson Tx.75083 - 5844

U.S.A

فنلاند

IRWA

P L 348

40100 J K L

FINLAND

از طریق آدرس های انگلستان و آلمان

با شورای مسئولین انجمن مکاتبه کنید

اعتراض نامه کارگران کارخانه های البسکو

کارخانه های تولیدی البسکو در مشهد قرار دارند. ۱۸۰ تن از کارگران این کارخانه ها اعتراض نامه ای به نمایندگان مجلس نوشتند و طی آن خواستار شدند که لایحه افزایش سقف معافیت کارگران از پرداخت مالیات سریعتر تصویب گردد. کارگران در نامه خویش متذکر شده اند که ماهانه به طور متوسط ۱۰ هزار تومان به عنوان مالیات می پردازند. آنها همچنین نوشته اند: تا کی باید شرمنده زن و بچه خود باشند؟ تا چه موقع باید فشار گرانی و کمی حقوق و مالیات های بالا را تحمل نمایند؟

خشم کارگران از تعطیل کارخانه البسه باف

مسئولان شرکت تولیدی البسه باف کویر یزد یک سال آزرگار است که کارخانه را به بهانه «حسابرسی» تعطیل کرده اند. اکثر کارگران این کارخانه بیش از ۵ سال سابقه کار دارند. در مدت تعطیلی کارخانه حتی هیئت حل اختلاف اداره کار نیز بارها حکم بازگشت کارگران را به سرکار صادر کرده است. با این وجود کارفرمایان تا بحال کارخانه را به راه نیانداخته اند و مرتب به کارگران وعده های سر خرمن می دهند. از سوی دیگر اداره کل تأمین اجتماعی یزد به این بهانه که کارخانه تعطیل شده، اعتبار دفترچه های درمانی کارگران را تمدید نمی کند. در همین رابطه کارگران اعتراض نامه ای به مسئولان نوشته اند و خواستار رسیدگی به مشکلات شان شده اند.

چاپ پیام انجمن در نشریه کارگران لیورپول

خوانندگان «کارگر تبعیدی» در جریان مبارزات کارگران کشتی سازی لیورپول انگلستان و فعالیت های رفقای انجمن در پشتیبانی از آنان هستند. یکی از این فعالیت ها ارسال پیام همبستگی به کارگران اعتصابی لیورپول بود که ترجمه آن در شماره پیش «کارگر تبعیدی» درج شده است. پیام انجمن در شماره ژوئن نشریه کارگران بندر لیورپول نیز چاپ شده است. این واقیعت که فعالین انجمن توانسته اند مستقیماً و بدون واسطه طبقات دیگر، با کارگران مبارز بندر لیورپول رابطه بگیرند و اعتماد آنان را جلب کنند، مایه خوشحالی است. این امر نمونه کوچکی است از همبستگی جهانی کارگران.

نشریه کارگر تبعیدی را

مشترک شوید

بهای اشتراک ۶ شماره معادل ۲۰ مارک